

## حکم اعدام شریفه محمدی زن، کارگر، رمزگشایی از یک پیام

سیاوش دانشور

صفحه ۲

### جنبش توده ای

برای سرنگونی رژیم آغاز میشود  
مصاحبه منصور حکمت با رادیو انترناسیونال در باره ۱۸ تیر

صفحه ۴

## خالد عزیزی، رسوایی حزب دمکرات، در رابطه با آمدن پزشکیان

سعید یگانه

صفحه ۷

## گفتگوی کمونیست هفتگی با آکسل پرسون

توسط پروین کابلی تهیه و تنظیم شده است

صفحه ۸

### اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

## در محکومیت حکم اعدام فعال کارگری شریفه محمدی

صفحه ۹

## واقعه ۲۳ تیر ۵۸ مریوان، یکی از نقاط عطف تاریخی در جنبش آزادیخواهان در کردستان!

اسماعیل ویسی

صفحه ۱۱

## بیانیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در باره پیامدهای مضحکه انتخابات رژیم

صفحه ۱۳

## اخبار مبارزات کارگری و جنبشهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کله



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۲۲ تیر ۱۴۰۳ - ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۴

### اعلامیه حزب حکمتیست در باره "انتخابات" رژیم اسلامی

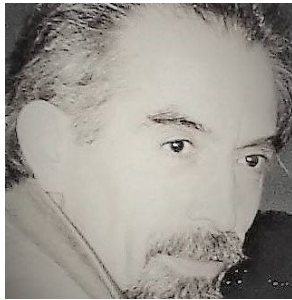
## نخواستن رژیم اسلامی قدرتمندترین بلوک سیاسی جامعه است!

در ایران انتخابات وجود ندارد، لذا بررسی نمایش حکومتی ها با فرض "انتخابات" و "درصد آرا" بیراهه است. انتخابات زمین بازی بالایی ها برای تجدید آرایش طبقه حاکم و تقسیم منابع قدرت و ثروت است. تمام حکومت‌های استبدادی به مشروعیت فرمال حقوقی نیاز دارند. عراق دوره صدام حسین، سوریه خانواده اسد، ایران تحت سلطه حکومت اسلامی و عمده دیکتاتورهای سرمایه بطور فرمال نمایشی به نام "انتخابات" برگزار میکنند. دخالت جامعه در این مناسک حکومتی اساسا برای برهم زدن محاسبات بالائی ها و ضربه زدن به حکومت در زمین خودش است. سیاست عدم شرکت فعال در چند "انتخابات" اخیر، همان نیاز رژیم اسلامی یعنی کسب مشروعیت فرمال حقوقی را هدف قرار داد و اثبات کرد که حتی با معیارهای خود رژیم، جامعه این حکومت را نمیخواهد. سرنگونی خواهی بستر اصلی سیاست ایران است که خود را در "انتخابات" رژیم هم نشان کرد.

جمهوری اسلامی به معادله واقعی رابطه خصمانه جامعه با رژیم واقف است و کل سیاست تبلیغاتی اش را برای

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



دنبال بند و بست با دولتها و مذاکرات و وقت خریدن است و ناچار شده روی عنصری نوکر و قاتل مانند مسعود پزشکیان توافق کند. رژیم می که میداند جامعه ضعف و زبونی اش را می بیند و معترض تر و متوقع تر از پیش حضور خواهد یافت. پیام رژیم اینست که جامعه نباید از اختلافات درون خانوادگی ما بهره برد، توقعاتش بالا برود و علیه نظام تعرض کند. جمهوری اسلامی با پرونده سازی و تشدید توحش علیه زنان و کارگران به سیاست "سرکوب پیشگیرانه" پسا-انتخاباتی روی آورده است. اتهام "بغی" حرف مفت است، مانند همه سخنان و اراجیف خامنه ای و آخوندها. مسئله تعرض به کانونهای تپنده اعتراض برای در موضع دفاعی قرار دادن جامعه است.

پیام تان را گرفتیم، تلاش تان بیهوده است! نه سرکوب نه زندان دیگر اثر ندارد! شما جنایتکاران و قاتلین سریال باید منتظر دادگاه های مردمی باشید! شریفه محمدی و کلیه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند، به قدرت مبارزه و اتحاد آزادشان می کنیم! جنبش طبقه کارگر، جنبش آزادی زن، نسل جوان انقلابی گورکنان ارتجاع و استبداد اسلامی اند. ما میمانیم، شما رفتنی هستید!

#شریفه\_محمدی  
#عدم\_قتل\_عمد\_دولتی\_است

۱۱ ژوئیه ۲۰۲۴



**منصور حکمت را بخوانید**

**و به دیگران معرفی کنید!**

<http://hekmat.public-archive.net>  
[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

## حکم اعدام شریفه محمدی زن، کارگر، رمزگشایی از یک پیام

سیاوش دانشور

صدور حکم اعدام برای شریفه محمدی یک پرونده سازی آشکار و نمونه دیگری از شناخت "عدالت اسلامی" است. نهادهای اطلاعاتی رژیم اسلامی استاد این روشهای نخ نما هستند. پرونده های بیشماری وجود دارند که فرد از دنیا بیخبر را زیر شکنجه وادار به قبول خواست بازجویان از جمله "جاسوسی" برای آمریکا و اسرائیل، "عملیات تروریستی"، "اقدام علیه امنیت ملی" و یا رابطه با احزاب "منحله" کردند و با اعدام زندانی "قدرت" شان را به رخ جامعه معترض کشیده اند.

اما چرا شریفه محمدی؟ چرا صدور و اعلام چنین حکمی یکروز قبل از نمایش دور دوم انتخابات؟ شریفه محمدی سالها قبل مانند دهها نفر دیگر، عضو "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل کارگری"، یک نهاد فعالین علنی و قانونی حامی کارگران بوده و سالهاست از آن جدا شده است.

شریفه یک زن است. شکنجه و آزار یک زن و یک مادر انعکاسی از نفرت عمیق رژیم اسلامی علیه زنان آزادیخواه و انقلابی است. زنانی که علیه اسلام و حجاب و آپارتاید بپاخواسته اند، ننگ بردگی را نمی پذیرند، آزادی و برابری را حق مسلم خود میدانند و همه طرحهای سرکوب ضد زن را با مقاومت و مبارزه به شکست کشانده اند. زنانی که رادیکالیسم و شجاعت شان جیغ دایناسور آخوندها را درآورده است.

شریفه یک فعال اجتماعی و حامی حقوق کارگران است. جنبش کارگری فعالترین و موثرترین جنبش اجتماعی ایران است. جنبشی که در شرایط ممنوعیت قانونی تشکل کارگری و "حرام" بودن اعتصاب، سالی چند هزار اعتصاب برپا میکند. جنبشی که علیرغم سرکوب خشن موتور محرکه کلیه اعتراضات اجتماعی و محور مبارزه علیه فقر و فلاکت و استثمار و استبداد است.

و بالاخره بحران همه جانبه و موقعیت شکننده داخلی رژیم از یکسو، امواج نفرت و نارضایتی مردم از اسلام و آخوند و پتانسیل اعتراضی عظیم علیه میلیاردرهای سرمایه دار از سوی دیگر، نیاز بیش از پیش حکومت را به تنها تکیه گاهش یعنی سرکوب خشن و مستمر تاکید میکند.

اعلام حکم اعدام شریفه یک روز قبل از نمایش دور دوم، بازداشت زهره دادرسی و احضار کلیه فعالان پرونده گیلان خانم ها؛ فروغ سمیع نیا، جلوه جواهری، متین یزدانی، یاسمین حشدری، نگین رضایی، آزاده چاوشیان، سارا جهانی و هومن طاهری، جهت اجرای حکم حبس در زندان لاکان رشت، از پیام رژیم اسلامی به جامعه معترض رمزگشایی میکند. رژیمی که در انتخابات مسخره اش علیرغم اتحاد و تلاش باندهای متفرقه جنایتکار اسلامی پوزه اش به خاک مالیده شده و شکست سنگین دیگری را متحمل شده است. رژیمی که

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

است. جامعه ایران از جمهوری اسلامی عبور کرده است و شکست مفتضحانه رژیم در انتخابات تنها جلوه محدودی از آنست. پزشک‌یان حتی قادر نیست که برای رژیم وقت بخرد، چشم انداز پیش رو برآمدهای توده ای و کارگری علیه وضع موجود و بمصاف کشیدن کل حکومت جهل و خرافه و زن ستیز و ضد کارگر سرمایه است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به مردم آزادیخواه و انقلابی که شکست فاحشی را به جمهوری اسلامی تحمیل کردند درود میفرستد. این "انتخابات" برای هزارمین بار نشان داد که نخواستن جمهوری اسلامی قدرتمندترین بلوک جامعه ایران است. ضروری است علیه کلیت جمهوری اسلامی و تحرک اصلاح طلبان مزدور خامنه ای که در هر بزنگاهی علیه مردم کنار رژیم می ایستند، تقابل جدی را در داخل و خارج سازمان داد. جامعه ای که در جستجوی آزادی و تغییر بنیادی است، ناچار است در گام اول از روی کلیت لاشه متعفن جمهوری اسلامی عبور کند.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
۱۷ تیرماه ۱۴۰۳ - ۷ جولای ۲۰۲۴



برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

## اعلامیه حزب حکمتیست در باره "انتخابات" رژیم اسلامی

### نخواستن رژیم اسلامی قدرتمندترین بلوک سیاسی جامعه است!

بسیج لایه باصطلاح خاکستری گذاشت. لایه ای محافظه کار و قانونگرا که اساسا ناراضی است اما میتواند تحت شرایط ویژه ای به این سمت و آن سمت تمایل پیدا کند. پدیده آرای باطله که در دو انتخابات ریاست جمهوری و مجلس بخشا رکورد دار شد، این نارضایتی را منعکس میکند.

انتخابات دور چهاردهم بیش از هر زمانی مهندسی شده بود. این بار کل باندهای اسلامی متحدانه روی یک خط کار کردند تا با ایجاد یک دوقطبی کاذب و کنترل شده درصدی مشارکت را بالا ببرند. شش مترسک و قاتل حرفه ای و مورد تأیید نظام و شخص خامنه ای مشغول بازار گرمی در دور اول شدند. شکست فاحش در دور اول و عدم شرکت بیش از هشتاد درصد و بقول آمار کذب رسمی شصت درصد، نیاز دو قطبی کاذب را بیشتر عیان کرد. رژیم و خامنه ای نیاز داشت که با ارائه آمار بالای نیمه واجدین شرایط رای، به دنیا بگویند نظام "مشروعیت" دارد و "خطر" سرنگونی تهدیدش نمیکند. در دور دوم همان شکست دور اول با درصد ناچیزی تفاوت تکرار شد. بیش از ۶۱ میلیون واجد رای بودند و بیش از ۳۰ میلیون رای اعلام شد! انتخابات سوت و کوری که حتی نتوانستند در کلان شهرها فیلم صف های پانصد نفره و هزار نفره را نشان بدهند، این آمار نجومی را ارائه دادند و وقیحانه به همدیگر تبریک و تهنیت گفتند. با اینحال جمهوری اسلامی از نظر داخلی نیاز خاصی به شرکت گسترده مردم نداشت و ندارد اما برای مذاکرات و دیپلماسی و ژست بیرونی نیاز دارد که بمثابه "دولت منتخب مردم" ظاهر شود.

پزشک‌یان کاندید مورد تأیید خامنه ای و جناح های حکومت اسلامی بود و همراه آنها جریانات توده ای- اکثریتی و عناصر پرو رژیم را بار دیگر به تحرک درآورد. جمهوری اسلامی نیازمند وقت خریدن، تداوم مذاکرات برسر پرونده هسته ای و مسائل منطقه، کاهش درجه ای از فشار تحریمهای تجاری، گسترش بده بستان با دولت‌های غربی و دول منطقه برای مواجهه وسیعتر با سرنگونی خواهی در جامعه است. از اولین نتایج این "انتخابات" تداوم شوک های اقتصادی، گرانی نرخ بنزین و برق و مسکن و نیازهای عمومی، تداوم خصوصی سازی ها و تاراج اموال عمومی، تشدید سرکوب علیه زنان و جنبش معترض کارگری است. پزشک‌یان تداوم دولت رئیسی و مجری برنامه هفتم اقتصادی برای تهاجم به طبقه کارگر است. کلیه جناح های حکومتی مستقل از اختلافات خانوادگی برسر سهم در ثروت و قدرت، طرفداران هار بازار آزاد و واگذاری ها و چلانیدن کارگران و محرومان و تشدید فقر و گرانی اند.

اما ماحصل ایندوره را باید در قدرت مردمی جستجو کرد که جمهوری اسلامی را نمیخواهند و در مقابل کلیه این سیاستها با خیزش انقلابی و توده ای و امواج اعتصاب کارگری بمیدان آمدند. از نقطه نظر جامعه و مردمی که برای آزادی و برابری و رفع تبعیض مبارزه میکنند، پزشک‌یان ادامه رئیسی و روحانی و احمدی نژاد و خاتمی و رفسنجانی

**برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!**



یک کودتا، در راه است یا خیر، و اگر هست مردم چگونه با آن مواجه خواهند شد؟

**منصور حکمت:** این تصور که رژیم اسلامی میتواند از نو یک ۳۰ خرداد ۶۰ دیگر راه بیاندازد، اشتباه است. این دو دوره عمیقاً با هم فرق دارند. آن دوره شکل‌گیری جمهوری اسلامی، دوران

پیدایش یک جناح مسلط در درون آن برای یکپارچه کردن حاکمیت و کوبیدن موج جدید اعتراضی در میان مردم بود. تناسب قوا میان رژیم و مخالفانش اساساً متفاوت بود. آن دوره، دوره تعرض و استقرار رژیم اسلامی بود. این دوره، دوره اضمحلال و عقب‌نشینی آن است. امروز برعکس، روند تشتت و فرسایش رژیم اسلامی را شاهدیم. رژیم در یک تکاپوی حاد برای بقاء است. جناحهای دقیقاً بر این زمینه بجان هم افتاده‌اند. مردم، نسل جدیدی از مردم، علیه آن برخاسته‌اند. سیاست سرکوب در مقیاس وسیع در چنین شرایطی فوراً رژیم را از درون دچار فلج و تشتت میکند و یک تعرض فعال توده‌ای علیه حکومت را باعث میشود. طبعاً در کل روند سقوط حکومت اسلامی، در مقاطعی امکان رخ دادن کودتا و اعلام حکومت نظامی هست. اما این کودتا زمانی برای جناح کودتاگر موضوعیت و خاصیت پیدا میکند که جناح مقابل قبلاً عملاً از نظر سیاسی زانو زده باشد و حاضر باشد میدان را ترک کند و برای حفظ اساس حکومت اسلامی در برابر کودتا تسلیم بشود. اما اگر برای مثال جناح دوم خرداد حاضر نباشد از میدان بیرون برود و اندک مقاومتی در برابر کودتا بکند، آنگاه کودتا به چاشنی خیزش توده‌ای مردم علیه کل رژیم تبدیل میشود. و اگر بنا باشد خاتمی‌چی‌ها کودتا کنند (که به همان اندازه قابل تصور است که حالت دیگر)، آنوقت دیگر جلوی قیام مستقل مردم را نمیتوانند بگیرند. در طول این روند، در مقطعی که تناسب قوا بیش از این علیه رژیم چرخیده باشد، کودتا و حکومت نظامی محتمل خواهد بود. اما همین امروز وقوع کودتا دور از ذهن است. ماجرای نامه سران سپاه پاسداران به خاتمی و پاسخهایی که از احزاب و روزنامه‌های دو خردادی گرفت خیلی جالب بود. ژستی توخالی بود و از جناح مقابل پاسخی تحقیرآمیز و شماتت‌گرانه گرفت. البته علی‌رغم همه مخاطراتی که راه انداختن یک موج سرکوب یا یک کودتا برای خود رژیم اسلامی ایجاد میکند ممکن است باز این عمل، با هر محاسباتی، صورت بگیرد. صحبت من اینست که چنین حرکتی خیلی زود در هم خواهد شکست. خصلت ذاتی حکومت نظامی و کودتا اینست که اگر شکست بخورد، دیگر رژیم رفته است.

اما این به این معنی نیست که جمهوری اسلامی در همین دوره به جنایات و اعمال کثیفی دست نخواهد زد. برعکس، در این شک نیست که یک توافق علنی میان جناحهای حکومت برای اعمال خشونت علیه گروهها و احزاب اپوزیسیون غیر مجاز و ناراضیان فعال در ایران وجود دارد. اسم این را ظاهراً توافق بر سر "گذار از تابستان مشکوک" گذاشته‌اند. میخواهند این دور را میان خود مساوی اعلام کنند، و توافق کرده‌اند که باید به این منظور از مردم و معترضین قربانی بگیرند و جامعه را ارباب کنند. بسیج نیروی زیاد و تلاش زیادی لازم است تا مردم و همه ما کاری کنیم که کسانی نظیر منوچهر محمدی، غلامرضا مهاجری نژاد، مریم شانس، کازرونی و دیگر دستگیرشدگان جان سالم از دست این اوباش در ببرند. اما نتیجه این زورآزمایی مشخص هرچه باشد، سرکوب وسیع

صفحه ۵

## جنبش توده‌ای

### برای سرنگونی رژیم آغاز میشود

#### مصاحبه منصور حکمت با رادیو انترناسیونال درباره ۱۸ تیر

انترناسیونال: شش روزی که رژیم اسلامی را لرزاند، توصیف گویائی برای رویدادهای اخیر است، که بطرز خیره‌کننده و بیسابقه‌ای نفرت عمومی علیه جمهوری اسلامی و آمادگی توده مردم برای برخاستن و رویارویی رادیکال با رژیم را روی صحنه خیابانها آورد، تأثیرات این خیزش بر رابطه آتی مردم و رژیم را چگونه ارزیابی میکنید؟

**منصور حکمت:** این رویدادها اثبات حقیقتی بود که ما برخلاف تصورات و تبلیغات اپوزیسیون و رسانه‌های خاتمی‌چی بر آن تأکید داشتیم و آن اینست که مردم ایران جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند. خواست مردم نه تعدیل حکومت اسلامی، بلکه سرنگونی آن است. رأی دو سال قبل مردم در دوراهی ارتجاعی ناطق نوری یا خاتمی، سند ورود آنها در مقیاس وسیع به مبارزه فعال برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی بود. این رأی خاتمی نبود، رأی علیه رژیم، علیه اسلام و اسلامیت، علیه اختناق و سرکوب، علیه فرهنگ ارتجاعی تحمیلی، علیه فقر و نابرابری و بیحقوقی در ایران امروز بود. جمهوری اسلامی رفتنی است. این آغاز بالفعل موج مبارزات وسیع و علنی‌ای در ایران است که یک نتیجه اجتناب‌ناپذیر آن سرنگونی رژیم اسلامی خواهد بود. با این رویدادها اردوی سرنگونی‌طلبی در ایران، که ابتدا یک اردوی یک دست و "همه با هم" نیست و نخواهد ماند، بعنوان یک جنبش علنی و مردمی اعلام موجودیت کرد. از این تاریخ، حکم قدیمی ما که جدالهای جاری سیاسی در ایران نه دو طرف (خاتمی-خاتمی)، بلکه سه طرف دارد، یک حقیقت غیر قابل انکار و پذیرفته شده محسوب میشود. جدال مردم علیه کل رژیم اسلامی، آن عاملی است که این جناحها را در جستجوی چاره بجان هم انداخته است. رویدادهای اخیر اعلام موجودیت مستقل و علنی یک جنبش مردمی برای سرنگونی بود. این بنظر من بر روش و رفتار جناحهای حکومت، احزاب سیاسی و خود مردم در ماههای آتی تأثیرات تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. جالب است که در این میان الفاظ و اصطلاحات رایج تا دیروز چگونه بسرعت کهنه شدند و تصاویر و شمایل‌های سیاسی میان میدان چگونه دگرگون شدند. خود حکومت از خطر "براندازی" و "ختم نظام" که گویا از بیخ گوش رژیم گذشته است صحبت میکند. عبارت جامعه مدنی جایی گم و گور شد، خاتمی برای معترضین رجزخوانی کرد و خامنه‌ای برای دانشجویان اشک ریخت. رسانه‌های غربی خاتمی‌چی و ژورنالیستهایی که گویی فروختن خاتمی به مردم ایران جزو تعریف شغلی‌شان بود، یکبارہ انقلاب را تیتیر کردند. در ایران، مردم علناً به رژیم اسلامی اعلام جنگ دادند. حکم سرنگونی رسماً به رژیم ابلاغ شد. این به جنبش اعتراضی، و موج اعتراضات آتی، اعم از اعتصابی و تظاهراتی و خیابانی، یک هویت کاملاً متمایز از جناحهای حکومت میدهد.

**انترناسیونال:** در مورد احتمال موج برگشت راست چه فکر میکنید؟ تهدیدات خاتمی و خامنه‌ای، موج دستگیری‌ها و پرونده‌سازی‌هایی که یادآور بازجویی‌ها و شوهای تلویزیونی لاجوردی در سال ۶۰ است. نامه سران سپاه پاسداران به خاتمی و تبلیغات روزنامه‌های مدافع خامنه‌ای این سؤال را طرح کرده که آیا یک موج وسیع سرکوب، حتی به شکل

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!

## جنبش توده ای

## برای سرنگونی رژیم ...

و بخانه فرستادن مردم در حیطه امکانات اینها نیست. (اجازه بدهید همینجا توجه خوانندگان انترناسیونال را به کمپین وسیع حزب در دفاع از دستگیرشدگان اخیر و همه زندانیان سیاسی جلب کنم. به این کمپین بپیوندید).

مهمترین عامل در ناتوانی رژیم از میلیتاریزه کردن کامل اوضاع، وضعیت اقتصادی است. جان مردم به لبشان رسیده است. تورم بیداد میکند. ماههاست دستمزد بخشهای وسیعی از کارگران را نداده‌اند. و تازه آنجا که داده‌اند، با آن نرخ دستمزد امکان برخورداری از حداقل معاش، غیر ممکن است. مستقل از رویدادهای اخیر طبقه کارگر و زحمتکشان و حقوق‌بگیران جزء دارند می‌آیند تا تکلیف مسأله معاششان را روشن کنند. حکومت نظامی در چنین وضعیتی، فقط میتواند رژیم را با عصیانهای عظیم شهری، نافرمانی علنی و توده‌ای در بخشهای مختلف جامعه، ورود یکسره مردم به فاز نظامی و جنگ خیابانی علیه حکومت مواجه کند. نمیتوان میلیونها انسان را هم گرسنگی داد و هم برویشان شلیک کرد. همانطور که گفتم از این اوباش هر کاری برمیاید. اما تاکتیک کودتا و حکومت نظامی از پیش محکوم به شکست است. میخ دیگری به تابوت خود حکومت خواهد بود.

**انترناسیونال:** خاتمی و همه تشکلهای و نشریات موسوم به "جنبش دو خرداد" شامل جریانات دانشجویی وابسته به این جناح نظیر دفتر تحکیم وحدت و تشکلهای اسلامی دیگری که در دانشگاه فعالیت مجاز دارند، بسرعت حمایت اولیه‌شان از حرکت اعتراضی دانشجویان در قبال سرکوبگری نیروهای انتظامی را پس گرفتند و همصدا با خامنه‌ای و انصار حزب‌الله و ناطق نوری و جنتی و غیره خواهان سرکوب این خیزش رادیکال شدند، این موردی از "وحدت" جناحها در حالت بخطر افتادن "نظام" بود، در عین حال کشمکش جناحها بر سر نحوه مقابله با توفانی که رژیم را لرزاند و تحکیم موقعیت خود در جریان مقابله با این توفان همچنان ادامه دارد، چشم‌انداز کشمکش حاضر درون رژیم را چگونه میبینید؟

**منصور حکمت:** بنظر من اختلاف جناحها و صف‌بندی آنها در مقابل هم نه فقط سرجایش هست، بلکه با این رویدادها تشدید هم خواهد شد. هرقدر فشار مردم به کل این حاکمیت بیشتر بشود، و هرقدر نظامشان بطور کلی بیشتر از طرف مردم تحت فشار باشد، شکافهایشان عمیق‌تر خواهد شد. برخلاف بیشتر مفسران، من فکر نمیکنم برنده این دور، جناح خامنه‌ای و باصطلاح راست‌ها بودند. هر دو جناح سر موضع خود ایستاده‌اند. حمله هر دو جناح به مردمی که علیه کل رژیم برخاستند، نقطه توافق آنهاست و نه مبنای وحدتشان. اما اختلافاتشان با هم در این ماجرا به مراتب تشدید و تعمیق شد. اتفاقا نکته‌ای که میتوان روی آن انگشت گذاشت، و بنظر من جناح راست به روشنی درک کرده و در لحن امروزش کاملا پیداست، این است که جناح دوم خرداد در صحنه برخورد فیزیکی و عمل تهاجمی علیه جناح رقیب دست کمی از او ندارد و آماده ریسک کردن است. بنظر من این رویدادها در میان‌مدت دست دوم خردادی‌ها در درون حاکمیت را حتی قوی‌تر کرده است و

به جناح خامنه‌ای فهمانده است که اولاً، تاخت و تاز انصار حزب‌الله و اعمال فشار خشک به خاتمی‌چی‌ها جوابگو نیست و حتی میتواند نتیجه عکس داشته باشد و ثانیاً، دقیقاً به دلیل وجود مردمی که در کمین کل رژیم نشسته‌اند، برای کند کردن و مهار حرکت مردم به خاتمی و جناح دو خرداد احتیاج دارند. بنظر من الآن هر دو طرف دارند تلفاتشان را می‌شمارند و دشمنه‌هایشان را برای دور بعد تیز میکنند. اما در محاسبات هر دو طرف قدرت عظیم مردم خواهان سرنگونی از این پس جای بسیار مهمتری را اشغال خواهد کرد و این بر تاکتیکهایشان تأثیر میگذارد. در این شک نیست که هر دو طرف از این تکان خوردن مردم وحشت زده شدند. اما چاره زیادی جز ادامه و حتی تشدید کشمکش درونی با هم را ندارند. موقعیت رژیم یک موقعیت لاعلاج است. سرکوب و ترور و زدن و بستن دیگر جلوی مردم را نمیگیرد و بیحاصلی‌اش را اثبات کرده است. در مواجهه با هیولای خیزش مردم و انقلاب، چنین سیاستی قبل از هرچیز خود حکومت را تجزیه میکند. سیاست سرکوب نمیتواند پرچم وحدت جناحها باشد. از طرف دیگر هر درجه گشایش سیاسی، هر روزنه‌ای برای ابراز مخالفت، بر شدت مبارزه مردم و اپوزیسیون غیر قانونی میافزاید. هر سازشی با مردم، به ناسازگاری بیشتر مردم با رژیم منجر میشود. الان دیگر شعارهای مردم را دیده‌اند. به این ترتیب پاسخ دوم خردادی‌ها هم حلال مشکلات رژیم و ضامن وحدت درونی و بقاء آن نمیتواند باشد. رژیمی که پاسخ اقتصادی ندارد، راه پس و پیش سیاسی ندارد، مورد نفرت مردم است، و اکنون دیگر مردم را در میدان مبارزه توده‌ای و علنی علیه خویش میباید، قطعاً رفتنی است. جدال میان جناحها جبرا حدت میگیرد.

**انترناسیونال:** سر راه حکومت یک میدان مین گسترده است. انتخابات مجلس ششم در راه است. در درون طبقه کارگر چیزی دارد به نقطه جوش میرسد، دو ماه دیگر مدارس باز میشود و به احتمال قوی دانش آموزان پس از این "تابستان گرم و طولانی" بشدت معترض و سیاسی خواهند بود. و مهمتر از همه نارضایتی شدید و غیر قابل مهار طبقه کارگر و توده مردم از اوضاع اقتصادی است. دوره بسیار پرتلاطمی در راه. انترناسیونال: بقی از شروع یک انقلاب سخن میگویند. آیا این یک انقلاب است. آیا انقلاب ۵۷ دارد تکرار میشود؟ چه تشابهاتی میان جنبش امروز و آن انقلاب می بینید؟ چه تصویر استراتژیکی از روند اوضاع دارید؟

**منصور حکمت:** آنچه الآن در جریان است یک انقلاب نیست. میتواند شروع یک انقلاب باشد، و میتواند نباشد. بنظر من عدم تشابه میان اوضاع این دوران با انقلاب ۵۷ به مراتب بر تشابهات آنها میچربد. آنچه ما شاهدیم شروع جنبش توده‌ای مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی است. من تردیدی ندارم که این جنبش پیروز میشود. یعنی رژیم در ادامه جنبش جاری برکنار میشود و جای خود را به چیز دیگری میدهد. اما بکار بردن مقوله انقلاب برای این جنبش این اشکال را دارد که تصاویر و معادلات انقلاب ۵۷ را در اذهان فعالین امروز زنده کند و لاجرم دینامیسم‌های متفاوت دوره کنونی را از چشم پوشیده بدارد. بنظر من ایران میتواند در آستانه یک انقلاب باشد، اما چه بسا این انقلاب تازه با سرنگونی رژیم اسلامی، یا لاقلاً با فلج کردن آن، به معنی واقعی کلمه شروع بشود. عبارت دیگر من جنبش مردم برای سرنگونی را، با همه خیزشها و قیامها و نبردهایی که در پر خواهد داشت، از انقلابی که میتواند از دل این جنبش عروج کند متمایز میکنم. جنبش سرنگونی‌طلبی میتواند پیروز

## جنبش توده ای

## برای سرنگونی رژیم ...

تعیین کننده تری در راه خواهد بود. باید نیروی آن نبردها را از امروز متشکل کرد. این دوران برای ما نه فقط دوران مبارزه برای سرنگونی، بلکه دوران بسیج طبقه کارگر برای ایجاد یک صف مستقل و حزبی برای ادامه مبارزه تا برقراری حکومت کارگری و خلع ید از سرمایه در سیاست و اقتصاد است. راجع به معانی عملی این تعبیر از روند اوضاع میشود و باید خیلی بیشتر صحبت کرد.

**انترناسیونال:** یا بنظر شما حزب کمونیست کارگری آماده ورود به این دوران و ایفای نقش هست

**منصور حکمت:** بنظر من اگر هم آماده نباشد، به هر حال آماده ترین است. این رویدادها دارند بر حقانیت نگرش ما به اوضاع و مسیری که طی کردیم تأکید میگذارند. ببینید ما سازمان سیاسی نساخته ایم که وجدانمان را راحت کنیم، فشاری به این و آن بیآوریم، و داور تاریخ و تماشاچی بازیگران اصلی آن باشیم. حزب ساخته ایم که در جدال بر سر سرنوشت انسانهای معاصر خودمان شرکت کنیم و پیروز بشویم. یک عده کمونیست کارگری هستیم، مساوات طلب و عدالت طلب و آزادیخواه هستیم و میخواهیم مساوات و عدالت و آزادی را به اجرا در بیآوریم. اگر الان نوبت نقش بازی کردن ما نباشد، هیچوقت نیست. تمام تلاش سالیان سال جنبش ما برای شفافیت بخشیدن به ثنوری کمونیسم، دفاع از مارکسیسم، دستیابی به برنامه، روشن کردن تاکتیکها، یافتن انسانهای کمونیست و انقلابی و متحد کردن و متحد نگاهداشتنشان بعنوان کادرها و رهبران کمونیست یک جنبش و یک جامعه، جدال با گرایشهای فکری و سیاسی ناسازگار با انسانیت و عدالت و آزادی، تمام دوندگیها و خطر کردنها و کشته شدنها و شکنجه کشیدنها و جنگیدنها و جلسه گرفتنها و جر و بحثها و دود سیگار خوردنهای ما برای این بوده که برای چنین دوره ای حزبی ساخته باشیم که بتواند در این جدال واقعی در جامعه نقش بازی کند. ما اینکار را کرده ایم. این حزب را ساخته ایم. بیست سال است داریم این سلاح را میسازیم و صیقل میدهیم تا بتوانیم چنین روزی با آن به جنگ برویم. برای ما الان دوران عمل است. دوران جذب نیرو است. دوران رشد است، دوران تبلیغات وسیع است. دوران سازمانگری است، دوران آمدن به جلوی صحنه سیاست و دخالتگری است. حزب ما برای چنین روزی از نظر فکری، برنامه ای، سیاسی، تشکیلاتی و حتی روحی آماده شده است. تحولات چند سال اخیر برای ما مقدمات انتقال از یک گروه فشار، از یک گرایش فکری و یک سنت نظری، به یک حزب تمام عیار سیاسی بوده است. به این عنوان ما آماده ایم.

بنظر من این دوره در ایران دوره تحزب خواهد بود. چه برای راست و چه برای چپ. "کمونیست منفرد" همسایه خوبی است، اما دخالت در سیاست به نفع انقلاب کارگری و کمونیسم، آنهم در جدالی که اکنون در ایران نضج میگیرد، نیاز به تشکل دارد. نیاز به تشکلی دارد که بدر این کار بخورد. در نتیجه بنظر من وقت آنست که همه همسایه های خوب ما به یک تشکیلات کمونیستی بپیوندند. به نیروی آنها احتیاج داریم. بعد از پیروزی و بعد از شکست دوباره فرصت کافی برای متفرق شدن هست. الان وقت حزبیت است.

انترناسیونال شماره ۳۰

مرداد ۱۳۷۸ - اوت ۱۹۹۹

شود بی آنکه لزوما کل ماشین دولتی را هدف گرفته باشد و یا در هم کوبیده باشد، بی آنکه یک تک قیام پیروزمند علیه حاکمیت صورت گرفته باشد. رژیم اسلامی میتواند زیر فشار مردم تجزیه شود، متلاشی شود، جایگزین شود. میتواند در نتیجه یک قیام شهری در تهران سقوط کند. میتواند با یک کودتا از بین برود. اما رفتن رژیم اسلامی بنظر من به احتمال قویتر، نقطه ای در اوائل سیر انقلاب آتی خواهد بود و نه اواخر آن. انقلاب ایران یک انقلاب همگانی و یک جنبش "همه با هم" نخواهد بود. انقلاب ایران انقلابی کارگری خواهد بود با هدف اثباتی ایجاد یک حکومت کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی. این انقلاب از دل جنبش جاری و به احتمال قوی با موفقیت جنبش جاری عروج میکند. نیروهایی که حکومت اسلامی را بزیر میکشند زیر بار یک رهبری واحد نخواهند رفت. این بار خامی و خوشباوری انقلاب ۵۷ را نخواهیم دید. جنبش سرنگونی طلب اینبار به مراتب تحزب یافته تر خواهد بود. احزاب و نیروهای سرنگونی طلب در عین تنش حاد با یکدیگر وارد این جدال میشوند. اینها آلترناتیو حکومتی واحدی را نمیپذیرند. همه نیروها سقوط رژیم اسلامی را به مثابه گامی برای ایجاد نظام سیاسی مطلوب خود نگاه میکنند. و جدال واقعی میان این آلترناتیوها و افقها، میان جنبشهای طبقاتی و پرچمهای حزبی مختلف با پیشروی جنبش سرنگونی طلبی بیشتر اوج میگیرد. بنظر من با سرنگونی رژیم اسلامی، جنبش توده ای بشدت در درون خود پلاریزه میشود. صفتبندی جدیدی، له و علیه پرچم کارگری - کمونیستی در جامعه پدیدار میشود. ما درصاف مقدم جنبش سرنگونی طلبی در این میدان حضور پیدا میکنیم، اما نگاهمان به آنجاست. به انقلاب کارگری. این احتمال البته وجود دارد که سرنگونی رژیم و پیروزی کارگری در یک پروسه همراه با هم و همزمان به وقوع بپیوندند. ما برای این تلاش میکنیم. بهترین حالت برای ما همین است که رژیم اسلامی با یک انقلاب کارگری سرنگون شود و بجای آن، مستقیما و به کم مشقت ترین شکل، یک حکومت کارگری با یک برنامه کمونیستی برقرار بشود. اما این تنها سیر ممکن و یا لزوما محتمل ترین سیر نیست. زیرا بنظر من نفس اوجگیری جنبش کمونیستی کارگری و قرار گرفتن آن در رأس جنبش اعتراضی باعث تجدید آرایش در درون طبقه حاکمه و پیدایش دولت بورژوازی جدیدی بجای رژیم اسلامی خواهد شد که بتواند از موضعی قوی تر و با برخورداری از حمایتی وسیع تر در درون خود طبقه بورژوا چه در ایران و چه در سطح بین المللی، با عروج سیاسی طبقه کارگر در ایران مقابله کند. بعبارت دیگر جمهوری اسلامی ممکن است دقیقا برای اجتناب از انقلاب کارگری، یا برای مقابله با آن، توسط خود بورژوازی کنار زده بشود.

به هر حال فاکتورهای زیادی در رویدادهای آتی دخیلند. آنچه من میخواهم تأکید کنم اینست که این مبارزه کشارتر، پیچیده تر و چندوجهی تر از مبارزه علیه رژیم سلطنت است. حتی با سرنگونی رژیم اسلامی همه نیروها، حتی بخشهایی از خود اسلاميون سرنگون شده، برای ادامه جنگ قدرت و تعیین تکلیف نهایی نظام سیاسی و اقتصادی در ایران همچنان در صحنه میمانند. حزب کمونیست کارگری باید این پیچیدگی را در سیاست عملی و تاکتیکها و اولویتهای سازمانی خود دخیل کند. سرنگونی هدف ماست، اما پایان کار نیست. نبردهای

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!



رسوایی سیاسی برای خالد عزیزی و حزیش نیست. بر خلاف خالد عزیزی اکثریت مردم رنج‌دیده توهمی به این رژیم و اصلاحات در درون آن ندارند و خیلی وقت است که از کلیت نظام عبور کرده‌اند. عدم شرکت اکثریت مردم در این مضحکه انتخابات که خالد عزیزی نیز به آن اذعان دارد، آنها را بیدار نکرده است. اما حزب دمکرات برای

حفظ بقا به این سیاستها نیاز دارد. سوال این است که آیا اعضای حزب دمکرات از خود نمی‌پرسند که تا کی باید به این افتضاحات سیاسی تن دهند.

۱۱ ژوئیه ۲۰۲۴

## گفتگوی کمونیست هفتگی با آکسل پرسون

### توسط پروین کابلی تهیه و تنظیم شده است

به عنوان یک اتحادیه کارگری، ما مسئولیت داریم که طبقه کارگر را، چه در این انتخابات رای داده باشند یا نداده باشند، حول یک هدف مشترک متحد کنیم. ما همچنین وظیفه بزرگی پیش رو داریم تا با ایدئولوژی نژاد پرستانه ای که توسط نیروهای بسیار قدرتمند راست در جامعه فرانسه تقویت شده است، مبارزه کنیم.

\*\*\*

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

@hekmatist

Hekmatist.org

@hekmatist1917

@hekmatist pary

partow TV

@patowtv

Thepartow TV

@PartowTV

@PartowTV

حزب حکمتیست در صفحات اجتماعی

### راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.

۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲ سرداری

۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰ پروین کابلی

۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹۰ رحمان حسین زاده

۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷ ملکه عزیزی

www.hekmatist.org

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker Communist Party of Iran - Hekmatist

## خالد عزیزی، رسوایی حزب دمکرات، در رابطه با آمدن پزشکيان

بعد از پایان انتخابات در ایران و خروج پزشکيان از صندوق رای، خالد عزیزی سخنگوی حزب دمکرات کردستان در اظهاراتی جانبدارانه و توهمی آفرین از پزشکيان، رسوایی سیاسی دیگری را نسب خود و حزیش کرد.

خالد عزیزی اخیرا در مصاحبه ای با تلوزیون انترنشنال از مردم خواسته است که پیگیر مطالبات خود از پزشکيان و از او بخواهند که به وعده های خود عمل کند. او با آمدن پزشکيان روزنه امیدی را می بیند و به تغییراتی در نظام اسلامی توسط پزشکيان دل خوش کرده است. خالد عزیزی و حزیش که در دوره هایی به اصلاح طلبان کرد دخیل بسته بودند و مشغول گدایی از جمهوری اسلامی بودند، نا کام از بند و بست با سران جمهوری اسلامی، اکنون با انتخاب پزشکيان که از نظر اکثریت مردم و شرکت کنندگان در خیزش انقلابی ژینا تفاوتی با سایر سران رژیم ندارد و در تحمیل فقر و فلاکت و اختناق و تحکیم پایه های رژیم اسلامی دست کمی از بقیه سران و مسئولین رژیم اسلامی ندارد، دوباره به قالب گذشته برگشت و از شکست سیاستهای مامشات جویانه با جمهوری اسلامی درس عبرت نمی گیرند.

اودر این مصاحبه آمدن پزشکيان را شانس برای اصلاح طلبان می بیند و فرصتی برای جمهوری اسلامی که چگونه بتواند از این بحر آنها عبور کند. او در این مصاحبه دو بار عنوان می کند که مادام آپوزیسیون نتوانست آلترناتیوی ارائه دهد، با آمدن پزشکيان دوره "براندازی" پایان یافته و امکان آلترناتیو سازی در درون خود نظام وجود دارد.

خالد عزیزی در جواب به مجری برنامه در این مصاحبه که می گوید شما در کانتکست جمهوری اسلامی صحبت می کنید و این یک قدم عقبتر از "براندازی" است، در جواب می گوید طبیعی است وقتی که پزشکيان وعده می دهد دیگر بر اندازی مطرح نیست. خالد عزیزی با این اظهارات خیال همه را راحت کرد که مسئله "براندازی" از نظر ایشان، "بخوان سرنگونی" فعلا تا اطلاع ثانوی از دستور ایشان و حزیش خارج شده و به پزشکيان دخیل بسته اند، سیاستی که هر بار با شکست مواجه شده است.

سیاست مامشات جویانه حزب دمکرات با جمهوری اسلامی از آغاز شکل گیری حکومت اسلامی داستان طولانی دارد و این حزب بنا سیاستهای غیر مردمی و منفعت پرستانه آن دست از این سیاست نکشیده و هر بار و هر دوره ای روزنه ای می بینند به قالب گذشته خود بر می گردند. این موضع گیری در شرایطی است که اکثریت مردم و بخصوص در خیزش انقلابی ژینا هم در شهرهای کردستان وهم سایر مناطق ایران به خوبی نشان دادند که این رژیم را با اصلاح طلب و اصولگرایش را نمی خواهند و برای سرنگونی آن خیز برداشتند. شرم نمی کنند و به روی خود نمی آورند که در همین دوران بود مقررات حزب دمکرات در اقلیم کردستان بارها از طرف سپاه پاسداران مورد حمله قرار گرفت و تلفات جانی به آنها وارد کردند.

اظهارات خالد عزیزی سخنگوی حزب دمکرات در مورد پزشکيان و وعده های پوچ او و دخیل بستن به اصلاح طلبان، چیزی بیش از

نه قومی، نه مذهبی، هويت انسانی!



جایی که برگزار شد، جبهه مردمی خواستار رای دادن به هر نامزدی که بتواند نامزد جناح راست افراطی باقیمانده در انتخابات را شکست دهد، شد. این مساله یک رای گیری تاکتیکی را در دور دوم رقم زد که در نهایت از کسب اکثریت توسط جناح راست افراطی جلوگیری کرد. با این تاکتیک در حال حاضر زمان خریده ایم و جناح مقابل را کنترل کرده ایم، اما باید از حالت تاکتیک دفاعی به حالت تهاجمی تغییر موضع دهیم تا در نهایت بتوانیم راست افراطی را سرکوب کنیم .

### کمونیست هفتگی: مکرون حاضر به مذاکره و همکاری با جبهه ی مردمی یا چپ نیست. اکنون چه اتفاقی می افتد؟

**آکسل پرسون:** مکرون سعی خواهد کرد با وعده و وعید به عناصر اصلاح طلب تر برای پیوستن در جبهه ی مردمی تفرقه بیندازد. او همچنین باقیمانده های حزبش و جناح راست سنتی را برای اداره سیستم و ادامه کار با روال قبلی ترغیب خواهد کرد. این باعث فشاری بر جبهه مردمی خواهد شد. این فشار تعیین خواهد کرد که آیا این جبهه متحد میماند یا در مقابل مکرون و وعده های او به بعضی از سیاستمداران برای دادن پست های مختلف در وزارتخانه ها و موقعیتهای در دستگاه دولتی تسلیم و تضعیف خواهد شد؟

### کمونیست هفتگی: نتیجه انتخابات نشان میدهد که در پارلمان هیچیک از جبهه های موجود در اکثریت قرار نگرفته اند. اکنون چه اتفاقی می افتد؟

**آکسل پرسون:** در پارلمان اکثریتی وجود ندارد هر چند جبهه مردمی بیشترین نمایندگان را دارد. این نشان میدهد که هیچ گروه سیاسی قادر به ایجاد دولتی پایدار نیست که مطمئن باشد میتواند از رای عدم اعتماد در پارلمان جان سالم به در ببرد. از این رو انتظار می رود پارلمان به مدت حداقل یک سال فلج شود، زیرا مطابق قانون اساسی رئیس جمهور نمیتواند تا یک سال آینده درخواست انتخابات جدیدی را صادر کند. همچنین این چشم انداز وجود دارد که تلاشهایی توسط جناح راست و راست افراطی برای تشکیل ائتلاف با مکرون صورت بگیرد. هر چند در حال حاضر نمیتوان به صورت قطعی اظهار نظر کرد. در نهایت، هیچ راه حلی جز توسل به بسیج عمومی طبقه کارگر برای وادار کردن صاحبان قدرت واقعی به برآورده کردن مطالبات ما وجود ندارد.

### کمونیست هفتگی: اکنون که انتخابات دوره دوم انجام شده قدم بعدی س، ژ، ت چیست؟

**آکسل پرسون:** س، ژ، ت بر این باور است که هیچ راه حلی جز به خیابان آمدن و مبارزه در محل کار، دانشگاهها، و مناطق کارگری وجود ندارد. تنها نیروی در میدان مبارزه ی مردم میتواند آنها را نجات دهند. س، ژ، ت خواستار اجرای برنامه جبهه مردمی است و نشان داده که تنها با گسترش اعتصابات در همه ی رشته های صنعتی میتوان به این هدف مهم دست یافت، زیرا نمیتوان انتظاری از مکرون یا نهادهای ضد دموکراتیک فرانسه داشت.

صفحه ۷

## گفتگوی کمونیست هفتگی با آکسل پرسون

### توسط پروین کابلی تهیه و تنظیم شده است

آکسل پرسون فعال ۳۵ ساله ی کمونیست، وساکن پاریس میباشد که راننده ی قطار منطقه ی تریس در حومه پاریس است. آکسل پرسون از سن ۱۷ سالگی به عضویت س، ژ، ت در آمد و اکنون از رهبران سرشناس س، ژ، ت اتحادیه کارکنان راه آهن می باشد که که همواره کانون مبارزات طبقاتی در فرانسه بوده است .

### کمونیست هفتگی: س ژت در ائتلاف با «جبهه مردمی» در این انتخابات شرکت کرد. چرا س ژت وارد این جبهه شد و چه خواستهایی را در مقابل جبهه قرار دادید؟

**آکسل پرسون:** مکرون پس از کسب نتایج ضعیف در انتخابات پارلمان اروپا دستور انحلال پارلمان را صادر کرد. از این رو، با توجه به احتمال به قدرت رسیدن جناح راست افراطی از طریق انتخابات، ت، ژ، ت خواستار تشکیل جبهه مردمی شد. س، ژ، ت با هدف ایجاد یک پلتفرم سیاسی، مطالبات مهمی را مطرح نمود، از جمله: لغو اصلاحات بازنشستگی که مکرون در سال ۲۰۲۳ تصویب کرد، افزایش حداقل دستمزد به ۱۶۰۰ یورو، کاهش ساعات کاری به ۳۲ ساعت در هفته، لغو قوانین ضد مهاجرت و نژادپرستانه ای که در سالهای اخیر به تصویب رسیده است، سرمایه گذاری مجدد در خدمات عمومی و به رسمیت شناختن دولت فلسطین. برای این پلتفرم، نام «جبهه مردمی» انتخاب شد، چرا که این نام به دوره تاریخی سال ۱۹۳۶ اشاره دارد که در آنوقت جنبش طبقه کارگر با موفقیت علیه خطر فاشیسم متحد شد .

### کمونیست هفتگی: اکنون چه اتفاقی در فرانسه افتاد؟ این ائتلاف چگونه پیش رفت؟

**آکسل پرسون:** بسیاری به عنوان یک ائتلاف دفاعی به جبهه ی مردمی نگاه کردند. ائتلافی که قصد دارد از سواستفاده ی جناح راست افراطی از سیستم انتخاباتی فرانسه و کسب اکثریت کرسیهای پارلمان جلوگیری کند. س، ژ، ت و احزاب سیاسی در جبهه مردمی در محل کار، دانشگاهها و مناطق کارگری نشین در سراسر کشور برای بسیج و جلب حمایت از جبهه مردمی حضور پیدا کرده و برای جبهه مردمی تبلیغ و بسیج کردند. این مساله یک شور سیاسی ایجاد کرد که معادلات را از قدرت گیری جناح راست افراطی به سود طبقه کارگر که توانست متحد شود، تغییر داد .

### کمونیست هفتگی: پس با این اتحاد میشود گفت که جبهه ی مردمی جلو رفت. آیا میشود از یک موج چپ در جامعه ی فرانسه نام برد، یا پیروزی چپ؟

**آکسل پرسون:** جبهه مردمی در دور اول انتخابات ۹ میلیون رای کسب کرد که نسبت به مجموع آرای چپ در سال ۲۰۲۲ افزایش داشته است. اما جناح راست افراطی ۹،۴ میلیون رای کسب کرد. برخی از متحدان کوچکتر آنها ۱،۲ میلیون رای کسب کردند. این بدان معناست که جبهه مردمی با فاصله کمی هنوز پشت جناح راست افراطی است. از این نظر، شاید این یک پیروزی نباشد. در دور دوم انتخابات، در هر





دفاع از حقوق انسانی  
جرم نیست، شریفه  
محمدی هم جرمی  
مرتکب نشده است.  
مجرم جمهوری اسلامی  
و تمام دستگاههای  
مخوف اطلاعاتی و

امنیتی اند که برای خفه کردن صدای مردم معترض، برای ایجاد ارباب و گستراندن اختناق در جامعه، به دستگیری فعالین سیاسی و کارگری، فعالین حقوق زن و مخالفین سیاسی، انتساب اتهامات واهی و پرونده سازی برای آنها متوسل می شود.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست صدور حکم اعدام توسط جنایتکاران بیدادگاه انقلاب رشت را قویا محکوم می کند. این حکم باید لغو و شریفه محمدی فوراً آزاد شود. ما همه احزاب و سازمانها، مردم آزادیخواه و حق طلب را به دفاع از شریفه محمدی و برای آزادی فوری وی فرامیخوانیم. شریفه محمدی و کلیه زندانیان سیاسی بدون قید و شرط باید آزاد شوند.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
آزادی، برابری، حکومت کارگری



گردیدند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری نیز یکی از آن نهادهای کارگری ای بود که بطور مستقل از کارفرماها و دولت و احزاب و سازمانهای سیاسی ایجاد گردید و تعداد قابل توجهی از کارگران و فعالین کارگری از مناطق مختلف کشور، از جمله شریفه محمدی، به آن پیوستند. اگر چه حاکمیت تشکلات و کمیته های مستقل کارگری را بر نمی تابید اما تمام این تشکلات از ماهیت طبقاتی، صنفی، کارگری، مدنی و مطالبه گرانه برخوردار بودند و به قصد فعالیت کارگری علنی ایجاد شده بودند. اینها توضیح واضح است که جهت یادآوری بازگو میکنیم. نیروهای امنیتی و دادستان ها و قاضی ها هم خوب میدانند که تشکلات مستقل کارگری در ایران همواره بر استقلال تشکیلاتی خود تاکید داشته اند. بنابراین، همانقدر برای ما امضا کنندگان این نوشته محرز است که برای صادر کنندگان حکم سبانه اعدام علیه شریفه محمدی نیز روشن است که ایشان هیچ جرمی مرتکب نشده است و عضویت سابق ایشان در کمیته هماهنگی جرم محسوب نمیشد و کماکان نیز نباید هیچ جرمی محسوب گردد.

یفین داریم هیچ کارگر و انسان شرافتمندی در سراسر کشور یافت نمی شود که اتهام واهی "بغی" و حکم ظالمانه اعدام علیه شریفه محمدی را حیرت آور، جنون آمیز و غیر قابل قبول نداند. مطمئن هستیم که همکاران ما و کلیت طبقه کارگر و مردم حق طلب نسبت به سرنوشت خواهر خود، کارگر زندنی شریفه محمدی، سکوت نخواهند کرد.

اتهام واهی "بغی" و حکم بیشرمانه اعدام علیه شریفه محمدی باید فوری و بدون قید و شرط لغوگردند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

## اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در محکومیت حکم اعدام فعال کارگری شریفه محمدی

شریفه محمدی از فعالین کارگری ایران بعد از دستگیری و چندین ماه اذیت و آزار و شکنجه، توسط بیدادگاه انقلاب رشت به اتهام "بغی" به اعدام محکوم شده است. اتهام او عضویت در "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" و انتساب این تشکل به تشکیلات کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران است.

پرونده سازی و انتساب اتهام کذب به فعالین سیاسی و کارگری برای خفه کردن صدای اعتراض و حق طلبانه آنان علیه تبعیض و ستم و نابرابری حاکم بر جامعه، یکی از شگردهای دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی است. جرم شریفه محمدی دفاع از حق کارگر و ستمدیدگان جامعه است و به این دلیل دستگیر و بیشتر از هفت ماه است که در زندانهای سندنج و رشت مورد شکنجه و آزار قرار گرفته است. جمهوری جنایتکار اسلامی تاکنون صدها فعال کارگری را به جرم اعتراض برحق به نظام سرکوبگر و استثمارگر حاکم زندانی و شکنجه و به حبس های طولانی مدت محکوم کرده است.

### کارزار حمایت از شریفه محمدی فعال کارگری محکوم به اعدام

با صدور حکم اعدام شریفه محمدی فعال کارگری توسط بیدادگاه انقلاب رشت، موجی از حمایت در محکومیت این حکم جنایتکارانه از طرف سندیکا های کارگری، سازمانها و احزاب سیاسی وزندانین سیاسی زندان اوین صورت گرفت. دو سندیکای کارگری ایتالیا و تعدادی از دانشجویان اتحادیه کارگری آلمان شمن محکوم کردن این حکم جنایتکارانه خواهان آزادی بی قید و شرط شریفه محمدی از زندان شدند. در زیر تعدادی از اعتراض نامه ها و حمایت نامه ها از شریفه محمدی در این شماره کمونیست منتشر می شود.

#### بیانیه کارگران زندانی رضا شهبایی، داود رضوی و حسن سعیدی

اتهام واهی "بغی" و حکم بیشرمانه اعدام علیه فعال کارگری شریفه محمدی باید فوری و بدون قید و شرط لغو گردند!

بر کسی پوشیده نیست که نیروهای امنیتی و قوه قضاییه حساسیت، نفرت و واهمه عمیقی نسبت به کارگران و تشکلات کارگری مستقل، حق طلب و معترض دارند. مگر سندیکای کارگران شرکت واحد، و فعالین و تشکلات مستقل و دیگر کارگران حق طلب در کشور چه کرده بودند که سالیان سال، و صرف نظر از اینکه چه کسانی و از چه جناحهایی روئسای قوه مجریه و قضائیه بوده اند، بطور بی وقفه تحت کنترل پلیسی، پرونده سازی، اخراج، بازداشت و زندان و حکمهای سنگین بوده اند. مگر کارگران خاتون آباد که تنها خواسته اشان امنیت شغلی بود چه گناهی کرده بودند که مورد سرکوب هو کشتار قرار گرفتند؟ مگر کارگرانی که در اقصی نقاط کشور، از فولاد اهواز، تا هپکو و آق دره، حکم ظالمانه شلاق گرفتند چه کرده بودند؟

در همان سالهای اولیه دهه ۸۰ که سندیکای کارگران شرکت واحد به همت صدها راننده و دیگر کارگران در پروسه بازگشایی بود، چندین تشکل و کمیته مستقل کارگری نیز بطور علنی و شفاف ایجاد

## کارزار حمایت از شریفه محمدی فعال کارگری محکوم به اعدام

داود رضوی، حسن سعیدی، رضا شهبابی،

اعضای زندانی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

بند ۴، زندان اوین

۲۱ تیر ۱۴۰۳

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۱ تیر ۱۴۰۳

### اعتصاب غذای ۸۵ زندانی سیاسی در اعتراض به حکم اعدام شریفه محمدی

در ادامه اعتراض‌ها به صدور حکم اعدام برای شریفه محمدی، فعال کارگری، ۸۵ زندانی سیاسی در زندان اوین روز پنج‌شنبه ۲۱ تیر ماه دست به اعتصاب غذا زدند. شماری از فعالان کارگری زندانی نیز در بیانیه‌ای این حکم را "ظالمانه، حیرت‌آور، جنون‌آمیز و غیرقابل قبول" خواندند.

طبق اطلاعات رسیده به ایران‌اینترنشنال، ۸۵ زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین از ساعت ۱۱ شب چهارشنبه ۲۰ تیر ماه در اعتراض به صدور "حکم ناعادلانه" اعدام شریفه محمدی و در همراهی با کمپین حمایت از او، اعتصاب غذا کردند.

۳۰ نفر از این زندانیان سیاسی در بند زنان، ۳۰ نفر در بند هشت و ۲۵ تن دیگر در بند چهار اوین هستند.

این زندانیان اعلام کردند تا ساعت ۱۱ شب پنج‌شنبه ۲۱ تیر به اعتصاب غذای خود ادامه خواهند داد.

آن‌ها پیش از این، از دیگر زندانیان و عموم مردم خواسته بودند در این حرکت اعتراضی با آنان همراه شوند.

شریفه محمدی، فعال کارگری محبوس در زندان لاکان رشت روز چهاردهم تیر امسال با حکم شعبه اول دادگاه انقلاب این شهر به اتهام "بغی" به اعدام محکوم شد.

قاضی برای انتساب این اتهام به محمدی، به مخالفت‌های او با اعدام در جمهوری اسلامی و گزارش وزارت اطلاعات مبنی بر عضویتش در "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری" استناد کرد.

داود رضوی، حسن سعیدی و رضا شهبابی، اعضای زندانی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که دوران محکومیت خود را در زندان اوین سپری می‌کنند، با صدور بیانیه‌ای حکم اعدام شریفه محمدی را محکوم کردند.

آنان اعلام کردند: "هیچ کارگر و انسان شرافتمندی در کشور یافت نمی‌شود که این حکم ظالمانه را حیرت‌آور، جنون‌آمیز و غیرقابل قبول نداند." به گفته آن‌ها، محمدی هیچ جرمی مرتکب نشده و "عضویت سابق او در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد

تشکل‌های کارگری"، جرم محسوب نمی‌شود.

این سه فعال کارگری زندانی تاکید کردند "اتهام واهی بغی" و "حکم بی‌شرمانه اعدام" علیه او باید فوری و بدون قید و شرط لغو شود.

صدور حکم اعدام برای محمدی با واکنش گسترده فعالان کارگری، مدنی و سیاسی و شماری از تشکل‌های مستقل صنفی مواجه شده است.

روز سه‌شنبه ۱۹ تیر ماه به دنبال دعوت "کمپین دفاع از شریفه محمدی" کاربران رسانه‌های اجتماعی با هشتگ‌های "آزادی شریفه" و FreeSharifeh اعتراض خود را به حکم صادر شده برای محمدی اعلام کرده و خواستار آزادی بی قید و شرط این فعال کارگری شدند.

نامه ۱۶ زن زندانی سیاسی از اوین

حکم اعدام شریفه محمدی را متوقف کنید

جمعی از زندانیان زن سیاسی محبوس در اوین، با انتشار نامه‌ای به کارزار دفاع از شریفه محمدی، فعال کارگری محکوم به اعدام پیوستند و خواهان لغو این حکم شدند. نویسندگان این نامه می‌گویند در کنار او و دیگر زندانیانی ایستاده‌اند که با خطر مرگ مواجه‌اند.

این ۱۶ زن زندانی سیاسی تاکید کردند شریفه محمدی پس از هفت ماه بازداشت موقت، تحمل شکنجه و بازجویی در بازداشتگاه‌های مختلف، "در سناریویی نخنما و با اتهاماتی بی پایه و اساس" به اعدام محکوم شده است.

روز چهاردهم تیر امسال، شریفه محمدی، فعال کارگری محبوس در زندان لاکان رشت با حکم شعبه اول دادگاه انقلاب این شهر به اتهام "بغی" به اعدام محکوم شد.

قاضی برای انتساب این اتهام به محمدی، به مخالفت‌های او با اعدام در جمهوری اسلامی و گزارش وزارت اطلاعات مبنی بر عضویتش در "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری" استناد کرد.

به گفته نویسندگان این نامه، حکم اعدام محمدی خطری بالقوه و پیش‌درآمدی برای صدور احکام سنگین بعدی برای تمامی فعالان کارگری، سیاسی، مدنی، حقوق بشری و حوزه زنان است.

آن‌ها با اشاره به ارتقای سطح اعتراض و مطالبه‌گری پس از خیزش انقلابی، این حکم را در راستای سیاست سرکوب جمهوری اسلامی برای ارباب و عقب راندن زنان معترض از عرصه حق خواهی توصیف کردند.

این ۱۶ زن زندانی سیاسی تاکید کردند: "ما در کنار شریفه و تمام کسانی که خطر حکم مرگ تهدیدشان می‌کند ایستاده‌ایم و خواهان توقف حکم اعدام هستیم".

سروناز احمدی، آنیسا اسداللهی، هستی امیری، ریحانه انصاری‌نژاد، گلرخ ایرایی، سکینه پروانه، ناهید تقوی، ناهید خداجو، نسرين خضری‌جوادی، ویدا ربانی، محبوبه رضایی، مهناز طراح، سپیده قلیان، نرگس محمدی، وریشه مرادی و مریم یحیوی امضاکنندگان این نامه هستند.

اتهام بغی و صدور احکام اعدام برای زندانیان سیاسی؛ صدور حکم اعدام برای شریفه محمدی

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان



نفر به مردم شهر سنندج تحمیل نمودند!

کردستان سنگر انقلاب!

در جامعه کردستان جو و فضای آزاد سیاسی- اجتماعی به معنی واقعی و انقلابی حاکم بود، انقلابی که رژیم سلطنتی پهلوی را سرنگون کرده بود با نیروی کارگران و زحمتکشان و توده های

مردم آزادیخواه و سکولار و انقلابی کردستان نه تنها همچنان ادامه داشت بلکه روز به روز بیشتر بسط و گسترش پیدا می کرد. در آنمدت کوتاه نهایتاً ۷ ماه پس از سرنگون شدن استبداد شاهي، مردم مناطق دیگر ایران بخصوص تهران و شهرهای بزرگ، از آنچه در کردستان میگذشت کم و بیش مطلع شدند. فضای آزاد و انقلابی در کردستان چنان میان مردم آزادیخواه و انقلابی سراسر ایران انعکاس پیدا کرده بود که تداوم خواسته هایشان در انقلاب ۵۷ را در جامعه کردستان میدیدند، و کردستان "سنگر انقلاب" لقب گرفته بود. عملاً و بحق هم چنین بود!

چنین وضعیتی برای کل ارتجاع اسلامی حاکم به سرکردگی خمینی قابل تحمل نبود و از سرایت این فضای آزاد سیاسی و مقاومت انقلابی و توده ای به سراسر ایران وحشت داشتند. برای به شکست کشاندن و سرکوب این فضای انقلابی از هیچگونه تلاشی خودداری نکردند. راه انداختن جنگ و درگیری و لشگر کشی و مسلح کردن مرتجعین فئودال در مناطق مختلف، جریانات مذهبی و لمپن های اسلامی پاسدار و عوامل مفتی زاده در سراسر کردستان بویژه در شهرهای پاره و اورامانات، منطقه دیواندره، شمال کردستان، نرده، و مریوان و... از نتایج ترند سرکوب ضد انقلاب اسلامی در کردستان بود.

**روز ۲۳ تیر ماه ۵۸ مریوان، واقعه ای تاریخی- اجتماعی**

فضای ملتبهت جامعه کردستان آماده انفجار بود، در روز ۲۳ تیر ماه ۵۸ در شهر مریوان مزدوران محلی با حمایت پادگان شهر مریوان، راهپیمائی مسالمت آمیز مردم را که خواهان تعطیلی مقر سپاه پاسداران بودند، به گلوله بستند و با تیراندازی فضای شهر را متشنج میکنند. در نهایت معترضین به مقر سپاه حمله کرده و در ادامه درگیری چندین نفر از مزدوران کشته و مقر به تصرف آزادیخواهان در میآید، متعاقب آن ارتش مستقر در پادگان تلاش می کند به شهر حمله کرده و آنرا تصرف کنند که با مقاومت مسلحانه نیروهای انقلابی و توده ای مردم روبرو میگردند. اما شورای شهر برای جلوگیری از کشتار مردم و حمله ارتش به شهر، تصمیم میگیرد بعنوان اعتراض شهر را تخلیه و بطرف مرز ایران- عراق کوچ کنند، شهر تخلیه میشود و واقعه تاریخی کوچ مردم مریوان بوقوع میپیوندد.

واقعه ای تاریخی- اجتماعی، که بلافاصله مورد حمایت مردم شهرهای کردستان قرار گرفت و هزاران نفر از مردم شهرهای سنندج، سقز و بانه در حمایت از این اعتراض یکپارچه و تاریخی مردم بطرف شهر مریوان و به هدف پیوستن به آنان دست به راهپیمائی زدند. این حرکت تاریخی شکل دیگری از مقاومت توده ای را در برابر سرکوبگران اسلامی و در دفاع از حقوق سیاسی- انسانی و اجتماعی شان با موفقیت به نمایش گذاشته شد. تداوم روند چنین اوضاع سیاسی- مبارزاتی ارتجاع اسلامی حاکم را هراسان نموده بود و نهایتاً آنان را واداشت که در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ با فرمان حمله خمینی و اعلام جنگ علیه مردم آزادیخواه و بپاخاسته

## واقعه ۲۳ تیر ۵۸ مریوان، یکی از نقاط عطف تاریخی در جنبش آزادیخواهانه در کردستان!

اسماعیل ویسی

انقلاب سال ۵۷ در ایران برعلیه رژیم سلطنتی پهلوی، انقلابی آزادیخواهانه و حق طلبانه بود. انقلابی برای دستیابی به آزادی، رفاه و آسایش از هر لحاظ بود. هدف اساسی توده های مردم شرکت کننده و انقلابیون دستیابی و ایجاد زندگی ای بهتر بود. طبقه کارگر در انقلاب ۵۷ نقش اساسی در ساقط کردن استبداد سلطنت پهلوی داشت. اما، معنی نکردن مفهوم سرنگونی انقلابی و عدم وجود حزب کمونیستی کارگری و سیاست روشن و مشخص کمونیستی کارگری در هدایت و رهبری مبارزات طبقه کارگر جنبشهای آزادیخواهانه و حق طلبانه اجتماعی دخیل در جریان خیزش انقلابی و توده ای ۵۷، معضل اساسی بود. جنبه صرفاً ضد استبدادی و وجود تعلق خاطر سیاسی- اجتماعی بعضی از جریانات به اصطلاح چپ به اسلام و خمینی، حمایت دولتهای غربی به قصد جلوگیری از بقدرت رسیدن چپ، کاری کرد، ضد انقلاب اسلامی را بر شانه های سنت توده ایستی، و جبهه ملی و فرهنگ ملی - مذهبی ضد غربگرایی بقدرت برسد. ضد انقلاب اسلامی در اساس ماموریت و وظیفه اش سرکوب انقلاب آزادیخواهانه و عدالت طلبانه مردم و بشکست کشاندن آن بود.

در جریان خیزش توده های مردم در انقلاب ۵۷ در جامعه کردستان نیروهای چپ و کمونیست و آزادیخواه، نقش اساسی و رهبری کننده را داشتند. جریان ارتجاع اسلامی تسنن "مکتب قرآن مفتی زاده و تشیع طرفدار خمینی" در حاشیه قرار داشتند. حضور ملموس نیروهای چپ و کمونیست پس از سرنگونی استبداد سلطنتی و فقدان پایگاه اجتماعی جریان اسلامی تازه به قدرت رسیده در ایران یکی از عوامل وجود آزاد های بی قید و شرط سیاسی در کردستان بود. علاوه بر تمامی تلاشهای ارتجاع ملی- مذهبی در هیئت "کل جنبش بورژوا ناسیونالیستی کرد در قالب حزب دموکرات کردستان ایران و جریان مفتی زاده، برای زد و بند، معامله کردن و به سازش رسیدن با رژیم نوپای اسلامی "جامعه بدنبال سیاستهای چپ و آزادیخواهانه سمت و سو پیدا کرده و عملاً، انتخاب سیاسی- اجتماعی را مابین جنبش آزادیخواهانه و قومی- مذهبی، کرده بود. کوهی از اسناد غیر قابل انکار در رابطه با شرایط سیاسی- اجتماعی آن روز جامعه کردستان ثابت میکنند که بر سراسر کردستان فضای آزاد سیاسی و امنیت و آسایش حاکم بود و احزاب سیاسی در آزادی بی قید و شرط فعالیت می کردند. جامعه توسط شوراها و ارگانهای مردمی اداره می شد. مفاهیم و مطالباتی چون "آزادی- برابری و آزادی بی قید و شرط فعالیت سیاسی، بیان و تامین بیمه های اجتماعی، بیکاری، بیمه درمانی مطرح و در سرلوحه خواسته های مردم بود.

وضعیت فوق برای رژیم اسلامی که ماموریت اساسی اش سرکوب انقلاب و مطالبات آزادیخواهانه و عدالت طلبانه مردم بود، قابل قبول و تحمل نمی شد. مرکز ثقل این وضعیت در تداوم و در دفاع از دستاوردهای انقلاب، در جامعه کردستان بخصوص شهر سنندج بود. به همین خاطر در جریان رقابت و درگیری مسلحانه مابین دو جریان "ارتجاعی طرفداران مفتی زاده و صفدری" در شهر سنندج حکومت اسلامی برای سرکوب فضای آزادیخواهانه، فرصت را غنیمت شمرد و توسط ارتش غسل تعمید اسلامی داده شده، شهر به توپ و خمپاره بسته شد و واقعه نوروژ خونین ۵۸ را با کشتار و زخمی کردن صدها

## واقعۀ ۲۳ تیر ۵۸ مریوان، یکی...

قرآنی ها که بکار های خیریه روی آورده اند و اصلاح طلبان کرد که پاره ای از پیکره رژیم اسلامی اند " راه، نباید به فردا موکول کرد در این راستا لازم است انسانهای آزادیخواه، محافل رهبران عملی، توده ای، اجتماعی و انسان های آزادیخواه و مدافعین برابری طلب در کردستان که زمینه اجتماعیش هم موجود است، برای ایجاد همبستگی اجتماعی و سازماندهی با برنامه و هدفمند باید تلاش کرد. در این راستا

۱- در محلات خود را سازماندهی کرده و باید متشکل شد و در شرایط مناسب کنترل محلات را در دست گرفت و فضای آزادیخواهی را دامن زد و از ابراز وجود و از هرگونه مزاحمت ارتجاع و مزدورانش، جلوگیری کرد.

۲- شبکه وسیعی از سازماندهی گروههای پیشرو آزادیخواه در سطح شهرهای کردستان، را تشکیل داده و به تبادل اطلاعات و همفکری با همدیگر پرداخت.

طریق اعمال اراده مستقیم توده کارگر و مردم را در مبارزات جاری و در فردای تحولات تضمین کرد .

در خاتمه برای تقابل جدی و اساسی با حکومت اسلامی در کردستان هم، سازماندهی سراسری در ابعاد وسیع در جامعه کردستان را می طلبد. باید گامهای عملی را بر داشت. محافل فعالین و رهبران جنبشهای اجتماعی کارگری، آزادیخواه و برابری طلب در تمامی شهرهای کردستان وجود دارند. وظیفه رهبران عملی کارگری، کمونیست، و جنبشهای توده ای اجتماعی این است که برای مرتبط شدن و ایجاد شبکه سازماندهی وسیع این محافل برای مادیت بخشیدن به مفاد چه باید کردشان اقدام کنند. قبلا زمینه فعالیتهای مشترک و هماهنگ شده وجود داشته است. سالهاست در شهرهای سنندج، مریوان، کامیاران و سقز بمناسبت برگزاری مراسم های اول ماه مه، هشت مارس، روز جهانی کودک و فستیوال های آدم برفی ها این هماهنگی ایجاد شده است. این تجارب را مبنای سازماندهی هدفمند در تقابل با ارتجاع و برای سرنگونی رژیم اسلامی که در پروسه سرنگونی اش که بطور حتم خلاء قدرت پیش میاید، در برابر ابراز قدرت ارتجاع قومی- مذهبی، قرارداده شود و زمینه های حاکمیت شورائی توده ای فراهم شود. زیرا این تنها راه تقابل جدی در ابعاد اجتماعی برای دفاع از منافع اکثریت مردم کارگرو زحمتکش در جامعه کردستان می باشد. از هم اکنون باید دست بکار شد!

۱۶ تیر ۱۳۹۸ - ۷ ژوئیه ۲۰۱۹ HYPERLINK "mailto:esmail.waisi@gmail.com" esmail.waisi@gmail.com

\*\*\*

به حزب کمونیست کارگری ایران -  
حکمتیست کمک مالی کنید!

کردستان یک عرصه مهم تداوم انقلاب ۵۷ را به خاک و خون بکشند. این جنگ و حمله وحشیانه عملا جنگ سرکوبگران انقلاب ۵۷ علیه مدافعان دستاوردهای همان انقلاب بود تا بتوانند آخرین سنگرهای بازمانده از انقلاب ۵۷ را سرکوب و تسخیر کنند. اعلان جنگ و یورش که با مقاومت مسلحانه در ابعاد اجتماعی و توده ای روبرو گردید و بعد از ۳ ماه نیروهای سرکوبگر اسلامی با شکست مفتضحانه ای روبرو گردیدند و خمینی ناچار در ۲۶ آبان ماه ۱۳۵۸ با صدور پیام عاجزانه پر از " تقیه " و سراپا ریاکارانه خطاب به " برادران کرد " عملا شکست موقت را برای خریدن وقت و باز سازی نیروهای سرکوبگرش بپذیرد و به آن اذعان کند.

### درس و تجربه عملی که باید گرفت و بکار بست

باید تاکید کرد که تمامی آن نقاط عطف تاریخی، خود بخود و غیر سازمانیافته و بدون رهبری حزبی و سازمانی ممکن نبود. همچنانکه مقاومت و آزاد شدن شهر کوبانی در نتیجه سازماندهی، عزم راسخ و اراده ای آگاهانه در دفاع از حق حیات و سرنوشت خود ممکن نمی بود. این وضعیت یادآور تجارب بسیار ارزنده تاریخی ای است، که بار دیگر نقش رهبری سیاسی حزب دخالتگر و سازمانده، با تشخیص درست سیاسی- اجتماعی بموقع در بزنگاههای تحولات سیاسی، عملا به جریانات سیاسی فاقد عمل اجتماعی و پر حرف، نشان داده شد. این پیروزی نشان داد جنایتکاران ملون بورژوازی و قومی - مذهبی در مقابل مقاومت توده ای سازمانیافته، تصمیم و اراده متحدانه و آگاهانه زنان و مردان کارگر و زحمتکش " توده های مردم " و رهبری و هدایت سیاسی، حزبی، تاب مقاومت ندارند. از این منظر مقاومت و واقعۀ ۲۳ تیر و کوچ تاریخی مردم مبارز مریوان در سال ۱۳۵۸ و مقاومت ۲۴ روزه شهر سنندج در سال ۱۳۵۹ و کوبانی سمبل و الگوی مبارزات آزادیخواهانه این دوره است و لازم است از آن تجارب سازمانی و مبارزاتی درس گرفت. زیرا اوضاع و احوال کل منطقه ملتهب است. دولتها و جریانات ارتجاعی اسلامی جنگ ناخواسته ای را به اکثریت مردم زحمتکش تحمیل کرده و می کوشند آنرا به هر شیوه ممکن ادامه بدهند. رژیم اسلامی در ایران یکی از سردمداران اصلی این وضعیت ملتهب و جنگ ارتجاعی تحمیل شده و تداوم آن بوده و خواهد بود.

وضعیت ناهنجاری است. حساسیت اوضاع را باید متوجه شد. در این رابطه سطح بسیار بالائی از هوشیاری و آگاهگری با مبارزه سازمانیافته تر در ابعاد سراسری در جامعه کردستان علیه هر نوع تحركات ارتجاعی و غیر مسئول را می طلبد. رژیم اسلامی در کردستان برای فعال کردن و بکارگیری مجدد " مزدوران خود و تقویت جریانات ارتجاعی اسلامی " سلفی گری، سنی گری- داعش و سیعا تلاش کرده و می کند. حربه بکارگیری ارتجاع قومی- مذهبی برای تفرقه و جدائی از هر طرف در جریان است. جامعه کردستان، جامعه ای طبقاتی است. مشکل اساسی اکثریت مردم آن جامعه " تامین معیشتی و زیستی و نجات پیدا کردن از دست فقر و فلاکتی است که، به یمن موجودیت رژیم اسلامی، تحمیل شده است، می باشد. تقابل با هر نوع ارتجاع قومی- مذهبی " از جمله جنبش بورژوا ناسیونالیست کرد تحت لوای کردایتی و جریان مفتی زاده ای. مکتب

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!



## بیانیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در باره پیامدهای مضحکه انتخابات

میان بدتر و بدترین، علیرغم تحریم در دور اول، حاضر شدند در دور دوم در این بازی "باخت باخت" شرکت کنند هر چند نمیتوان به هیچ وجه ادعای مشارکت ۴۹ درصدی در دور دوم که دو درصد آن هم آرای باطله بود را پذیرفت، با این همه ابعاد تحریم مردم چنان بود که اجازه رقم سازی بیشتر را به رژیم نداد و خود حکومت اعتراف کرد که باز اکثریت مردم یعنی ۵۱ درصد از شرکت در دور دوم نمایش خودداری کرده اند.

حال با پایان این نمایش مضحکه، مسعود پزشکیان رئیس جمهور جدید رژیم مبتنی بر جنایت و غارت خواهد بود. عنصر بی رمقی که بارها در جریان سخنرانیها و مناظره های انتخاباتی اش، وفاداری کامل خود را به "منویات مقام معظم رهبری" اعلام کرده است و بلافاصله پس از پیروزی نیز با حضور در مقبره خمینی جلا، از خامنه ای تشکر کرد که اجازه داده نام او از صندوق بیرون بیاید و با ارسال نامه به رهبر حزب الله لبنان ثابت کرد که قرار نیست حتی در زمینه سیاست حمایت های مالی و نظامی چندین میلیارد دلاری از نیروهای نیابتی و مرتجع اسلامی در منطقه، هیچگونه خللی وارد شود. البته در روزهای نزدیک به "انتخابات" نیز محمد مخبر معاون ابراهیم رئیسی در حاشیه اجلاس شانگهای طی ملاقاتی با پوتین، به او اطمینان داد که تعویض رئیس جمهور هیچ تغییری در سیاست خارجی راهبردی جمهوری اسلامی از جمله ادامه پیوند با روسیه ایجاد نخواهد کرد.

بنابراین با برگزیده شدن پزشکیان، قرار نیست هیچیک از سیاستهای کوچک و کلان این رژیم تغییر کند. استبداد خشن سیاسی، سرکوب فاشیستی جنبش ها و خیزش ها، حاکمیت ارتجاعی مبتنی بر بنیادگرایی اسلامی، آپارتاید جنسیتی و از جمله ادامه سیاست تحمیل حجاب اجباری بر زنان، سرکوب مداوم و اعدام، اعمال تبعیض علیه اقلیتهای ملی، نژادی، مذهبی و گرایش جنسی، تداوم غارت و استثمار در بطن افزایش نابرابریهای طبقاتی نهادینه شده در نظام سرمایه داری ایران، ادامه رانت خواری و فساد سیستماتیک و تداوم ریخت و پاش های میلیاردی برای تقویت نیروهای نیابتی در خاورمیانه و اقصی نقاط جهان، تداوم ماجراجویی های هسته ای و نظامی، و ادامه ترور و اعدام و کشتار ... بدون تردید ادامه پیدا خواهند کرد.

از اینرو راس نظام هیچ نگرانی از بابت گزینش پزشکیان ندارد، او از جنس خودشان است. ولی در عوض میتوان از او به عنوان یک ویتترین "خوش آب و رنگ تر" در چانه زنی های رژیم با امریکا و متحدین غربی اش بهره برد. زیرا همچنان که خود پزشکیان و برخی دیگر از نامزدها در جریان مناظره های انتخاباتی مطرح کرده اند، تحریمهای بین المللی به ویژه مالی، دارد حلقوم این رژیم را می فشارد و آنرا با ابرچالش های اقتصادی بزرگ مواجه خواهد کرد.

ضمن اینکه رهبری نظام این توهم را نیز دارد که از پزشکیان و رویاپردازی های توخالی او همچون قرص آرام بخش

نتایج دور اول و دوم نمایش انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، بار دیگر بر این واقعیت صحه گذاشت که اکثریت مردم ایران، خواهان سرنگونی این رژیم فاشیستی هستند!

رژیم اسلامی جنایت و غارت، در روز هشت تیر، چهاردهمین دوره مضحکه انتخاباتی "ریاست جمهوری" را برگزار کرد. نمایشی که این سیستم مبتنی بر استبداد عریان سیاسی و مذهبی، در تمام ۴۵ سال گذشته ادامه داشته است. با این همه تا سال ۹۶ رژیم قادر بود با فریب میلیونها نفر از مردم و یا ایجاد رعب، آنها را به پای رای گیری ها و رای سازی های دوره ای خود بکشاند. اما از خیزش انقلابی دیماه ۹۶ بدین سو و جا افتادن گفتمان "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" اکثریت مردم به ویژه اردوی کار و رنج، به چیزی جز سرنگونی تام و تمام جمهوری اسلامی از طریق یک انقلاب مردمی نمی اندیشند. از اینرو در تمام هفت سال اخیر شاهد خودداری شرکت اکثریت مردم در بالماسکه های انتخاباتی رژیم بودیم.

ابعاد نه به رژیم در دور اول چنان خردکننده بود که علیرغم همه رای سازبها، خود رژیم اعتراف کرد که بیش از شصت درصد مردم از شرکت در "انتخابات" خودداری کرده اند، که تمام گزارشات مردمی نشان می دهند که ابعاد تحریم به مراتب بیشتر از نرخ رسمی اعلام شده بوده است.

خامنه ای که معمولاً بعد از هر نمایش انتخاباتی به میدان می آمد و رجز میخواند، اینبار پنج روز سکوت کرد و وقتی به فغان آمد، با صدایی لرزان نارضایتی خود را از میزان مشارکت اعلام کرد. این ناخرسندی در عین حال چراغ سبزی بود که نهادهای رژیم باید در دور دوم، ارقام مطلوبتری را به هر قیمت جفت و جور کنند!!

بدین ترتیب این مضحکه به دور دوم کشیده شد تا در روز جمعه پانزده تیر سرنوشت نفر پیروز میان دو رقیب باقی مانده یعنی پزشکیان و جلیلی مشخص شود. از این نقطه به بعد، تمام ابزارهای تبلیغاتی و رسانه ای در داخل و خارج از کشور بکار گرفته شد که با جا انداختن یک دوقطبی کاذب و مهیج کردن گفتمان بد و بدتر به کمک اصلاح طلبان ورشگسته و توده ای و اکثریتی و احزاب ناسیونالیست مثل حزب دمکرات و پژاک و مذهبی های مرتجع خوزستان، بخشهایی از مردم را علیرغم نارضایتی از رژیم اسلامی، به پای صندوق رای بکشاند. این بخش از مردم ناراضی، با آنکه می دانند در آپارات رژیم اسلامی، اهرمهای اساسی و کلیدی و راهبردی نظام در دست بیت رهبری و نهادهای امنیتی و نظامی و قضایی زیرمجموعه آن است و رئیس جمهور یک تدارکاتچی بیش نیست و اگر هم بخواهد کوچکترین اصلاحاتی برقرار کند، نمیتواند و با انواع سد سکندر روبرو خواهد شد، خود را چنین فریب می دهند که ریاست جمهوری پزشکیان، اوضاع کشور را کمی بهتر خواهد کرد. بنابراین بخش کوچکی از مردم با آزمودن آزموده ها و گفتمان زنگ زده "انتخاب

## بیانیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در باره پیامدهای مضحکه انتخابات

## کارزار حمایت از شریفه محمدی فعال کارگری محکوم به اعدام

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان

پس از ماهها حبس نا عادلانه و اعمال انواع شکنجه، پرونده سازی در غیاب دادرسی عادلانه، روز پنجشنبه ۱۴ تیر مار دادگاه رشت شریفه محمدی، فعال کارگری، را به اعدام محکوم نمود این حکم غیرانسانی برای منکوب کردن فعالان صنفی، مدنی و سیاسی است.

اتهام بغی و محاربه و مفسد فی الارض، اتهاماتی واهی است که دستگاه قضایی برای ایجاد رعب و وحشت از آن استفاده می کند به طوری که در طی ماههای گذشته دست کم ۱۵ زندانی سیاسی به نامهای نسیم غلامی سیمپاری، حمیدرضا سهل آبادی، احسان روازژیان، امین سخنور، علی هراتی مختاری، حسین محمدحسینی، حسین اردستانی، امیرشاه ولایتی، وحید بنی عامریان، پویا قبادی، محمد تقوی، مجتبی تقوی، بابک علیپور، ابوالحسن منتظر، اصغر دانشفر با کیفر خواست اتهام بغی روبرو شده و مانند شریفه محمدی در خطر حکم اعدام هستند.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، انتساب اتهام بغی و صدور حکم اعدام برای فعالان به خصوص شریفه محمدی را محکوم می کند. حکم اعدام یک حکم غیرانسانی و بی بازگشت است و باید روند صدور این احکام متوقف گردد. ما خواهان همبستگی جمعی برای توقف احکام اعدام هستیم

\*\*\*

برای آرام کردن بخشهایی از مردم بهره ببرد. غافل از اینکه این حنا مدتهاست که دیگر رنگی ندارد و اکثریت مردم به چیزی جز سرنگونی رژیم و انقلاب اجتماعی برای دستیابی به آزادی، برابری، رفاه، شادی و منزلت انسانی فکر نمی کنند. و آن بخش بسیار کوچک مردم نیز که حاضر شدند یکبار دیگر فریب بخورند و در نمایش انتخاباتی رژیم شرکت کنند، خیلی زود خواهند فهمید که در چارچوب

این نظام، نه تنها هیچ راهی برای رهایی وجود ندارد، بلکه حتی جزئی ترین اصلاحات نیز قابل تحقق نیست. کما اینکه دو دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی و دو دوره ریاست جمهوری حسن روحانی، این حقیقت را به اثبات رساند.

بنابراین تا آنجا که به نیروهای چپ و انقلابی و جنبش توفنده کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و سایر جنبش های اجتماعی برمیگردد، برگزاری چهاردهمین دوره "انتخابات" ریاست جمهوری، هیچ تغییری در استراتژی سیاسی ما ایجاد نکرده است، بلکه بار دیگر حقانیت آن را به اثبات رسانده است. اکثریت عظیم جامعه که از استبداد، تحجر، فقر، تبعیض و نابرابری کلافه شده اند، با ادامه جنبش و البته با تلاش برای درسگیری از خیزش های انقلابی عظیم سالهای اخیر، می کوشند که حلقه محاصره را به دور رژیم اسلام و سرمایه، تنگ تر کنند و آن را به زباله دان تاریخ پرتاب کنند. هر راهی جز این سراب است.

سرنگون باد رژیم اسلامی سرمایه داری

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

11.07.2024

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید!

در کارخانه ها و محلات

شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام

و فردا ارگان حاکمیت!

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

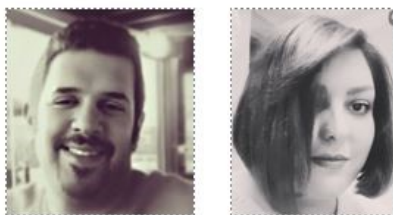
**راههای ارتباط با حزب حکمتیست**

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.

۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲ سردهاری  
۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰ پروین کابلی  
۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹ رحمان حسین زاده  
۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷ ملکه عزتی

[www.hekmatist.org](http://www.hekmatist.org)

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist



## اخبار مبارزات کارگری و جنبشهای اعتراضی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

کارگران آبفا رودبار ۱۲ روز است اعتصاب کرده‌اند

رسانه‌ها مشخص شده که منشا این مسمومیت‌های سریالی "ادغام آب شرب و فاضلاب" رضوانشهر بوده است. پیشتر، اداره آب و فاضلاب گیلان با پنهان‌کاری تعمدی، مدعی شد که ارتباطی بین مسمومیت شهروندان و مصرف آب شرب شبکه توزیع، وجود نداشته است.

هفته گذشته، محمدتقی آشوبی رئیس دانشگاه علوم پزشکی گیلان، در پاسخ سوالی پیرامون منشا اصلی این مسمومیت‌ها، صرفاً به توصیه "ضد عفونی دست‌ها و جوشاندن آب"، بسنده کرد. در روزهای هشتم و نهم تیر ماه، بیش از ۳۹۷ نفر از مردم رضوانشهر بر اثر مسمومیت به مراکز درمانی مراجعه کرده و شماری از آن‌ها بستری شدند. گزارش‌های رسمی از این رویداد، نیز پس از پنهان‌کاری طولانی مدت و گذشت چندین روز از مسمومیت شدید مردم رضوانشهر، منتشر شده بود.

### تجمع و راهپیمایی اعتراضی بازنشستگان صنایع فولاد

روزیکنشنبه ۱۷ تیرماه ۱۴۰۳ بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان، خوزستان و البرز شرقی در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد در این شهرها دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی

روزیکنشنبه ۱۷ تیرماه ۱۴۰۳، جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی کرمانشاه، تهران، شوش و اهواز مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل سازمان تأمین اجتماعی دست به تجمع زدند.

### گزارشی از تجمع سراسری بازنشستگان مخابرات کشور

روز دوشنبه ۱۸ تیرماه ۱۴۰۳ جمع‌هایی از بازنشستگان مخابرات در استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اصفهان، لرستان، چهارمحال و بختیاری، تهران، هرمزگان، گیلان، همدان و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته‌ی دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات دست به تجمع زدند.

پیکر سومین کارگر معدنچی که زیر آوار معدن سازند مدفون شده بود پیدا شد

پیکر سومین کارگری که در حادثه ریزش معدن سازند، واقع در استان مرکزی زیر آوار مانده بود پیدا شد.

یک منبع کارگری در سازند سه‌شنبه ۱۹ تیر ضمن اعلام این خبر گفت: "پیکر این معدنکار برای انجام مراحل قانونی

صفحه ۱۶

کارگران پیمانی شرکت آب و فاضلاب رودبار در استان گیلان که از ششم تیر ۱۴۰۳ دست به اعتصاب زده‌اند، "پرداخت کامل بدهی‌های مزدی"، "عقد قرارداد مستمر و دائم"، "شکل‌گیری نهاد مستقل کارگری"، "تأمین امنیت شغلی کارگران"، "دادن حق اعتراض و بیان مشکلات صنفی از سوی کارگران" و "مشخص شدن زمان پرداخت حقوق در هر ماه" را به عنوان برخی از شروطش خود برای پایان دادن به اعتصاب اعلام کردند.

خبرگزاری‌ها در دوازدهمین روز اعتصاب به نقل از کارگران معترض نوشتند بعد از ۱۲ روز اعتصاب، مدیران شرکت تنها پنج میلیون تومان از هشت ماه دستمزد معوق را پرداخت کردند. کارگران گفتند این اقدام مدیران آبفا "توهین" به کارگرانی است که از آذر ۱۴۰۲ دستمزدشان پرداخت نشده است. به گفته آنها حدود ۶۰ کارگر پیمانی آبفای رودبار به رغم کار شبانه‌روزی هشت ماه بدون دریافت دستمزد کار کرده‌اند.

### کارگر شهرداری کوت عبدالله: ۳ ماه است حقوق نگرفتم/ چگونه خرج زن و بچه ام را بدهم؟

یکی از کارگران شهرداری کوت عبدالله (خوزستان) گفت:

سه ماه است که شهرداری کوت عبدالله به ما حقوق نداده؛ استاندار خوزستان، فرماندار و... اطلاع دارند اما اصلاً توجهی نمی‌کنند.

چگونه خرج زن و بچه هام را بدهم. گناه من چیست که نمی‌توانم چشمان گرسنه همسر و فرزندم را تحمل کنم. مسوولان ببینند این وضعیت ماست. با شهر اهواز فاصله نداریم، اونها حق مستمر دارند ما هیچ، چی گناهی کردیم؟

### اعتصاب کارگران شرکت صنایع خمیر و کاغذ دیبای شوشتر ۷ روزه شد

کارگران می‌گویند در این وضعیت سخت اقتصادی امکان چند ماه کار بدون حقوق و بیمه نیست و مالک و مدیران شرکت باید نسبت به پرداخت مطالبات اقدام کنند. این شرکت بیش از شش ماه است که با تعطیلی‌های مکرر یا از سمت مالک یا کارگران روبرو است.

### پنهان‌کاری در اعلام مسمومیت مردم رضوانشهر؛ منشا ادغام آب شرب و فاضلاب بود

در حالی که اخیراً مردم رضوانشهر نزدیک به دو هفته دچار مسمومیت شدید شده و تحت بستری و مداوا قرار گرفتند، حکومت در اعلام منشا مسمومیت‌ها پنهان‌کاری کرده بود.

در حال حاضر، پس از فشار افکار عمومی و در نهایت پیگیری برخی

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

## اخبار مبارزات کارگری و جنبشهای اعتراضی...

به پزشکی قانونی منتقل شده است. به گفته این منبع، هویت این کارگر هنوز اعلام نشده است و آواربرداری معدن برای پیدا کردن جسد چهارمین کارگر همچنان ادامه دارد.

آیت‌الله رضایی و مجتبی نجفی، دو کارگر از چهار کارگر معدن شن و ماسه شازند بودند که جسد‌های آن‌ها با گذشت بیش از ۲۵ روز از حادثه ریزش معدن پیدا نشده بود.

این معدن ۲۷ خردادماه سال جاری ریزش کرد و به جز آیت‌الله رضایی و مجتبی نجفی دو کارگر دیگر به نام‌های محمد ابوالحسنی و نصرت‌اله یارمحمدی در این حادثه مفقود شدند. پیکرهای ابوالحسنی و یارمحمدی شش ساعت پس از حادثه در محل پیدا شدند. این دو نفر کارگر بازنشسته بودند. به گفته منابع محلی مالک معدن هیچیک از کارگران را بیمه حوادث نکرده است. کارگران می‌گویند پیش از وقوع این حادثه به مسئولان نسبت به ریزش معدن هشدار داده بودند.

کارگران معدن از شیوه جست‌وجو برای یافتن پیکر همکارانشان نیز ناراضی‌اند.

ما در برنامه جامعه و کارگران ضمن ابراز تأسف عمیق و تسلیت به خانواده، بستگان و همکاران کارگران جانب‌ناخته، اعلام می‌کنیم عدم بیمه کارگران توسط کارفرما و عدم تامین ایمنی کار که قطعاً با همکاری نهادهای دولتی بر آن سرپوش گذاشته میشود کشتار این کارگران را قتل آگاهانه دولت و کارفرماها میدانیم و بر پیگیری این پرونده برای تامین زندگی خانواده کارگران جانب‌ناخته پافشاری می‌کنیم.

### کشته شدن یک نوجوان بلوچستانی در پی تیراندازی نیروهای نظامی در زابل

روز جمعه ۱۵ تیر ماه ۱۴۰۳، یک نوجوان که روز پنجشنبه ۱۴ تیر ماه بدنبال تیراندازی بدون ضابطه نیروهای نظامی در داخل شهر زابل مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود، جان خود را از دست داد. هویت این شهروند، "حبیب غفران (تیموری)"، ۱۸ ساله و اهل زابل عنوان شده است.

بر اساس این گزارش، نیروهای نظامی مواد مخدر بدون هیچگونه هشدار قبلی به سمت خودرویی که حبیب در حال رانندگی بوده تیراندازی کرده‌اند که وی با اصابت گلوله به ناحیه سر به شدت مجروح شده و پس از حدود بیست و چهار ساعت در بیمارستان جان خود را از دست داده است. گفتنی است که این نوجوان در مغازه سوپرمارکت متعلق به پدرش در بلوار ارتش مشغول به کار بوده است.

بزرگترین باند توزیع و پخش مواد مخدر توسط سپاه پاسداران در مناطق محروم کشور مانند سیستان، بلوچستان و کردستان انجام میشود، برای رد گم کردن در افکار عمومی، خورده دستفروشان دست چندم را برای قربانی کردن انتخاب میکنند و بشکل

جنایتکارانه ای دست به قتل آنها میزنند.

ما در برنامه جامعه و کارگران ضمن تأسف و تسلیت به بازماندگان "حبیب غفران (تیموری)"، قاتل اصلی را سران رژیم اسلامی میدانیم.

### سقوط و جان‌باختن یک زن کارگر کشاورزی

یک زن کارگر کشاورزی اهل روستای تین در حین کار سقوط کرده و جان‌باخت.

روزیکشنبه ۱۷ تیرماه ۱۴۰۳، خاورصادقی، زن کارگر بخش کشاورزی، اهل روستای تین و ساکن شهر شاهو، در حین توت‌چینی از درخت سقوط کرد.

خاور صادقی بعد از سقوط به بیمارستان قدس شهرستان پاره منتقل شد. اما به دلیل جراحات و شکستگی‌های متعدد در نواحی بدن و سر، پس از چند ساعت جان خود را از دست داد.

### قتل یک کولبر در مرز نوسود و زخمی شدن ۵ تن دیگر

بامداد دوشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۳، یک کولبر به نام "ایوب محمدی" فرزند عزیز که با شلیک ماموران در مرز نوسود به شدت زخمی شده بود، به علت جراحات وارده در بیمارستان "قدس" پاره جان خود را از دست داد.

همچنین، ماموران نظامی، ۵ کولبر دیگر را بشدت زخمی کردند.

### کشته شدن یک جوان با تیراندازی مستقیم ماموران حکومتی

ذبیح‌الله فولادزهی، شهروند ۳۰ ساله ساکن روستای چاکچی شهرستان دلگان، حین حرکت در محور زهکلوت به رودبار با تیراندازی مستقیم ماموران حکومتی، کشته شد. این شهروند بلوچستانی بدون هشدار قبلی از ناحیه سر و گردن هدف گلوله قرار گرفت و بلافاصله جانش را از دست داد. طبق این گزارش، نهادهای اطلاعاتی از تحویل جسد ذبیح‌الله فولادزهی به خانواده وی خودداری می‌کنند.

### همدستی شهرداری و شورای شهر باروق در دست‌برد به حقوق کارگران

علی جمشیدزاده باروق، از اعضای شورای شهر باروق با همدستی مسئولان شهرداری و همچنین اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی، میالغی از دست‌مزد و حقوق کارگران شهرداری این شهرستان را برداشت و به حساب خود واریز کرده است.

### بیانیه ریحانه انصاری‌نژاد فعال کارگری از زندان اوین در ارتباط با حکم ظالمانه ی اعدام شریفه محمدی

جرم شریفه محمدی کارگر بودن و سالم زیستن است

صدور حکم اعدام برای شریفه محمدی، فعال کارگری، توسط بی‌دادگاهی در رشت در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری پیامی روشن برای کارگران، زنان، فعالان اجتماعی و همه‌ی مردم دارد؛ مهم نیست که نام چه فردی را به عنوان رئیس‌جمهور از



## اخبار مبارزات کارگری و جنبشهای اعتراضی...

علیه نظام به حکم یکسال زندان تعزیری محکوم کرد. لازم به ذکر است آقای محسن عمرانی در پرونده دیگری توسط همین قاضی به دو سال حبس تعزیری محکوم شده اند. سابقه فعالیت مدنی و صنفی ایشان به دهه هشتاد برمی گردد که طی این سالها بارها بازداشت و تحمل حبس نموده اند.

### سرکوب معلمان ادامه دارد

تحسین مصطفی، سیوان سلیمانی، آرام قادری و آرام محمدی، چهار فعال صنفی معلمان اهل مریوان، با اتهام "تبلیغ علیه نظام"، هر کدام به چهار ماه حبس محکوم شدند. لازم به ذکر است احکام این چهار فعال صنفی به مدت دو سال به حالت تعلیق درآمده است.

### حکم اخراج عزیز قاسمزاده توسط دیوان عدالت اداری تایید شد

دیوان عدالت اداری، حکم اخراج عزیز قاسمزاده، معلم و هنرمند آزادی خواه را تایید کرد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، در این مورد نوشت که شورای دیوان عدالت اداری حکم اخراج این معلم از آموزش و پرورش را "مجازات قانونی با تخفیف" قلمداد کرده است.

پیش از این، وزارت آموزش و پرورش عزیز قاسمزاده با سابقه ۲۵ سال تدریس را به "انفصال دائم از خدمات دولتی" محکوم کرده بود که این حکم با اعتراض آقای قاسمزاده مواجه شد. عزیز قاسمزاده، فعال صنفی فرهنگیان گیلان، روز شنبه بیست و دوم اردیبهشت ماه امسال، با پایان مدت محکومیت، با حدود دو ماه تاخیر از زندان آزاد شد. آقای قاسمزاده، روز ۱۹ فروردین سال گذشته جهت تحمل یک سال حبس به زندان لاکان منتقل شد و علیرغم بیماری و نیاز به درمان، تا ۱۸ اردیبهشت ماه سال جاری از مرخصی درمانی محروم بود.

### تداوم سرکوب فعالین صنفی با بازداشت ها و احضارها

دادگاه انقلاب اسلامی ممسنی شکراله احمدی سخنگوی هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان فارس، علی احمدی، جان محمد احمدی و روح الله گرگشیا را برای دفاع از اتهام اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی و خارجی فراخواند. شعبه دوم دادیاری از متهمین این پرونده خواسته است ظرف ۵ روز از تاریخ ابلاغ در دادگاه حاضر شوند. در دیماه ۱۴۰۲ در پی برگزاری تجمع اعتراضی این فعالین با قرار بازداشت یکماهه بازداشت شده و در نهایت با قرار وثیقه آزاد شدند.

### اعتصاب غذای رضا شهابی در زندان اوین از دوشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۳

با نظر پزشک متخصص جراح مغز و اعصاب کارگر زندانی رضا شهابی کاندید جراحی گردن به دلیل بیرون زدگی مهره ۴ و ۵، درد شدید در دست چپ و بی حسی دست چپ، و جراحی کمر به دلیل پارگی دیسک های ۴ و ۵ و بیرون زدگی دیسک ۳ و ۲ و بی حسی پای راست و درد شدید در پا و کمر میباشند، که سوابق آن در پرونده پزشکی در بهداری زندان اوین موجود می باشد.

کمیسیون پزشکی به دلیل وضعیت وخیم شهابی دستور اعزام به بیمارستان رسول اکرم برای مشاوره قلب و ارولوژی

صندوقشان بیرون کشیده اند، رویه همان رویه ی چهل و شش ساله ی جمهوری اسلامی است، یعنی دفاع از منافع سرمایه داران و سرکوب بی امان کارگران! شریفه یک زن و یک مادر است و این حکم پیامی مستقیم به همه ی زنان و مادرانی است که در صف اول اعتراضات اجتماعی ایستاده اند.

یک ماه است که نمایی به نام انتخابات راه انداخته اند و دم از مطالبات کارگران، زنان، اقوام و غیره می زنند اما صدور این حکم در آستانه ی انتخابات، تناقضات و ذات واقعی حاکمیت سرمایه در جمهوری اسلامی را نشان می دهد و گواهی بر این واقعیت است که در انتخابات فقط باید حرف های قشنگ زد، اما در عمل باید همچون همیشه کارگران، زنان و دیگر بخش های مطالبه گر جامعه سرکوب شوند. هنوز در خاطرمان هست که جواب کارگران مس خاتون آباد و خانواده هایشان که برای درخواست شغل راهپیمایی کرده بودند را با گلوله و سرب داغ دادند، جواب کارگران آق دره را با شلاق و زندان دادند، معلمان مطالبه گر را اخراج کرده یا به زندان انداختند و بسیاری موارد دیگر! و اکنون به یک فعال کارگری حکم اعدام داده اند. شریفه محمدی کارگری مطالبه گر است. وی به دلیل زن بودن و پیشینه ی کارگری خانواده اش و دیدن رنج کارگران و زنانی همانند خودش همیشه دغدغه ی عدالت خواهی داشته است. جرم او این است که جرأت داشته و برای احقاق حقوق خود و دیگر هم طبقه ای هایش تلاش کند. جرم او این است که کارگرانی از کردستان را می شناسد و آنها را هم درد خود می داند. او زمانی عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری بوده است و برای ایجاد تشکل کارگری مطابق مقاله نامه های سازمان جهانی کار (آی.ال.او)، که به امضای حاکمیت جمهوری اسلامی نیز رسیده، تلاش کرده است. حالا بی دادگاهی در رشت اعلام کرده که کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری بوابسته به کومله است و بر همین اساس شریفه محمدی را که روزی عضو این کمیته بوده، به اعدام محکوم کرده است. همانگونه که محمود صالحی نیز اعلام کرده، من هم تصریح می کنم که کمیته ی هماهنگی هیچ ارتباطی به کومله ندارد و این اتهام به اعضای کمیته ی هماهنگی تلاشی در جهت سرکوب کارگران عضو این کمیته است. اگر عضویت در کمیته ی هماهنگی مصداق "بغی" است، پس برای من هم به عنوان عضوی از این کمیته صدق می کند! به این سناریوی مسخره پایان دهید. جرم شریفه محمدی کارگر بودن و سالم زیستن است. شریفه محمدی باید بی قید و شرط و فوراً آزاد شود.

کارگر زندانی، ریحانه انصاری نژاد

شانزدهم تیرماه هزار و چهارصد و سه

### ادامه فشار بر فعالین صنفی با صدور حکم زندان برای محسن عمرانی در پرونده های جدید

دادگاه کذایی انقلاب بوشهر به ریاست قاضی فقیه، محسن عمرانی عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان استان بوشهر را با اتهام تبلیغ

## اخبار مبارزات کارگری و جنبشهای اعتراضی...

### در باره انتخابات بریتانیا و فرانسه

متمایز با ریشی سوناک دهن دریده و فوق راست نیست، تودهنی طبقه کارگر و شهروند بریتانیایی به توری ها است که افسار پاره کرده

اند. در فرانسه دستکم از دوره شیراک ائتلاف بزرگ نیروهای متفرقه راست و چپ و مرکز علیه پیشروی فاشیستها صورت گرفته و ماحصل آن به تخت نشاندن کنسرواتوئوها بوده است. اینبار اما فرانسه روش جدیدی را تجربه کرد که اساسا مدیون اعتصابات گسترده کارگری علیه طرح مکرون و تغییر فضای سیاسی فرانسه و همینطور شرکت جدی ت ژت بطور مشروط در ائتلاف احزاب مختلف درون جبهه مردمی است. اینبار جبهه مردمی علیه فاشیست های مارین لوپن و حزب محافظ کار مکرون بودند. اراده ای وجود داشت که از موضع چپ با برنامه ای رفرمیستی علیه اردوی راست و فاشیست بایستند و پیروز شدند.

این تاکید تحلیلی در مورد پیروزی حزب لیبر در انگلستان و جبهه مردمی در فرانسه که «علیرغم انتظار عمومی» و «اینکه» کسی باور به پیروزی جبهه مردمی چپ نداشت و همه نگران پیروزی فاشیسم لوپنیست بودند»، قبل از اینکه یک نگرانی واقعی و مادی و منتج از یک تحلیل دقیق جامعه و کشاکش طبقات باشد، بررسی سیاست در بالا و درون احزاب حاکم و ناباوری به فشار اعتراض در پایین را منعکس میکند. امری که میان چپگرایان بیشتر رایج است. برعکس در درون بورژوازی با هر تحرک طبقه کارگر از «خطر» کمونیسم سخن میگویند. بورژوازی بیشتر از احزاب غیر کارگری در چپ ظرفیتهای چپگرایی و کمونیسم را می شناسد و بطور غریزی به آن واکنش نشان میدهد.

نه حزب لیبر بریتانیا را گلستان میکند و نه ائتلاف چپ با تلون و تنوع و تضادهایش میتواند تغییرات ملموس در فرانسه ایجاد کند. حزب لیبر امروز نه نوع حزب لیبر تونی بلر بوشیست است و نه جرمی کوربین پرو اسلامی. این یک جریان مرکز راست است که در موارد محدودی آنهاهم بدلیل نفرت جامعه و اعتراض موجود در آن از کنسرواتوئوها فاصله میگیرد. در فرانسه ائتلاف مردمی اگر موفق شود همان برنامه رفرمیستی اش را قاطعانه پیش ببرد بدرجه زیادی نیرو در جامعه فرانسه جذب میکند. اما عقب راندن فاشیستها میتواند محصولات سیاسی جدیدی ببار آورد که در مقابل کل بورژوازی و چهارچوب های پارلمانی بایستد. در پارلمان نمیتوان شیر میدان شد، نمیتوان با دم و دستگاه دولت بورژوائی به جنگ بورژوازی رفت. تجربه رفرمیست های جدید مانند سیریزا، پودوموس و طیفی از این احزاب نشان داد وقتی سکان دولت بورژوائی را بدست میگیری ناچار هستی مجری همان برنامه محافظه کاران شوی. چپ پارلمانی و رفرمیست های رادیکال نهایتا جلو روندهایی را میتوانند موقتاً سد کنند که به سهم خود مثبت است، اما ایجاد رفرم و تغییر برگشت ناپذیر در گرو اعمال قدرت از نوعی دیگر علیه حاکمیت و سلطه بورژوازی به سبک کموناردها است.

۱۱ ژوئیه ۲۰۲۴

و نوار عصب داده است تا سریع تر نسبت به جراحی و درمان ایشان در خارج از زندان تصمیم بگیرد. ولی به دلیل کارشکنی مسئول بند ۴ در ارسال نامه درخواست اعزام به بیمارستان به جای بهداری به حفاظت فرستاده شده است. از طرفی شهبانی به انتقال به یک بند دیگر تهدید شده است. دلیل آن عدم تحویل زندانی کف خواب به عنوان مسئول اتاق، در اتاق ۳۶ متری است که ۱۷ زندانی در آن محبوس هستند و هیچ تخت خالی وجود ندارد و حتی جا برای لوازم شخصی و لباس های زندانیان موجود نیست. همچنین با توجه به آزار و اذیت زندانیان کارگری و تبعیض مسئول بند ۴ زندان اوین در ملاقات ها، این فرد مسئول همچنین مانع اشتغال رضا شهبانی به صورت رایگان برای اصلاح موی سر زندانیان بی بضاعت و کم درآمد در آرایشگاه زندان شده است.

این اذیت و آزارها و تهدیدها بارها، از جمله روز گذشته، تکرار شده اند و رضا شهبانی، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، در اعتراض به تداوم این برخوردهای سرکوبگرانه و تبعیض آمیز و برای اینکه صدایش به گوش کارگران، عموم مردم و مسئولان مربوطه برسد از تنها سرمایه اش که سلامتی به تحلیل رفته اش می باشد هزینه کرده و دست به اعتصاب غذا زده است.

### کارشکنی نهادهای امنیتی در روال اداری پرونده توماج صالحی

حساب کاربری توماج صالحی، رپر معترض در شبکه اجتماعی ایکس از «کارشکنی نهادهای امنیتی با عاملیت عوامل قضایی دادگاه انقلاب استان اصفهان در روال اداری پرونده» او خبر داده است.

در این صفحه آمده است که با گذشت دو هفته از صدور نقض احکام صادرشده علیه توماج صالحی توسط دیوان عالی قضایی، «طبق روال معمول، پرونده باید جهت تعیین تکلیف و تعیین شعبه جدید به دادگاه انقلاب استان اصفهان بازگردد، مسئولان قضایی این دادگاه از اعلام وصول پرونده سر باز می زنند تا بدین وسیله بتوانند، زمان بیشتری توماج را در حبس ظالمانه نگه دارند».

این حساب کاربری از مسئولان قضایی استان اصفهان خواسته است که «بجای کارشکنی در روند اداری این پرونده و در انتظار ماندن برای رسیدن دستورات «برخی» گروه های پرنفوذ پشت پرده... به وظایف خود عمل کنند و با تسریع در روند اداری و تبدیل قرار بازداشت ... به قرار وثیقه، از ادامه این حبس ظالمانه بدون توجیه قانونی جلوگیری نمایند».

حکم اعدام آقای صالحی دوم تیر ماه امسال در دیوان عالی کشور لغو شد.

\*\*\*

## ستون آخر،

## در باره انتخابات بریتانیا و فرانسه

سیاوش دانشور

نتیجه دو انتخابات بریتانیا و فرانسه تعادل سیاسی در اروپا را بدرجه زیادی دگرگون میکند و حتی میتواند روی انتخابات آمریکا تاثیر بگذارد. در بریتانیا حزب لیبر با آرای بالا پیروز شد. در فرانسه جبهه مردمی حزب اول شد و فاشیستهای لاپینست و محافظه کاران مکرونیست به ترتیب سوم و دوم شدند. نتایج انتخابات اتحادیه اروپا و جلو افتادن چند حزب فاشیستی و اولترا راست این تحلیل سطحی را جلو راند که «فاشیستها برگشته اند». «برخی پا را فراتر گذاشته و از «خطر فاشیسم» و بازگشت به زمان جنگ دوم و دوره هیتلر و موسولینی و وقوع جنگهای گسترده حرف میزدند.

این فاکت است که با از نفس افتادن دولتهای رفاه از اواخر دهه هفتاد و عروج تاجریسم و ریگانیسم و مانیتاریسم در دهه هشتاد و چرخش براسست جهانی بعد از فروپاشی بلوک شرق در دهه نود، قلاده نیروهای راسیستی و فاشیستی، ناسیونالیسم و قومگرایی و مذهب رها شد تا هرچه نسلهای طبقه کارگر بافته بودند را پنبه کنند و با تقدس بازار آزاد و مالکیت خصوصی و «پایان تاریخ» و میلیتاریسم جهان را به صحنه تاخت و تاز سرمایه تبدیل کردند. در دهه های اخیر نیروهای شبه فاشیست بتدریج وارد پارلمانها شدند و رشد تقریباً مستمر در برخی کشورها داشته اند. در کنار اینها نیروهای کلاسیک تر طبقه بورژوازی مرتباً راست و راست تر شدند طوری که سوسیال دمکرات و چپ پارلمانی از کنسوراتیوها و لیبرال ها قابل تشخیص نبودند، پلاتفرم متفاوتی هم نداشتند. اما فاشیسم در دوره جهانی شدن سرمایه و «دهکده جهانی» و انقلابات انفورماتیک و تکنولوژیک، پایه اقتصادی ندارد. فاشیسم مدلی برای رشد اقتصادی، پلاتفرمی برای رقابت سرمایه ها نیست و پروتکشنیسم اقتصادی در دنیای امروز محلی از اعراب ندارد. از نظر سیاسی و فرهنگی نیز دوره عوض شده است. در عصر ارتباطات کسی قبول نمیکند دور کشورها را دیوار بکشند و افکار و روش زندگی و روابط انسانها را قرنطینه فرهنگی و ملی کنند. فاشیسم و اولترا راست امروز کمی کانسرواتو شده و احزاب راست و چپ پارلمانی بدرجه ای پلاتفرم راست افراطی و فاشیستها را درونی کرده اند. نقش احزاب اولترا راست فاشیست اینست که کاتالیزور به راست چرخاندن



کل طبقه بورژوازی و تهاجم به دستاوردهای طبقه کارگر زیر پرچم ناسیونالیسم و قومگرایی، حمله به مهاجرین و ایجاد محدودیت های فوق برنامه در این کشورها باشند.

و مهمتر، مردم دنیای قرن بیست و یکم فاشیسم را تحمل نمیکنند. این زمان جنگ دوم نیست، دنیا عوض شده است. دنیا را از دریچه عینک احزاب راست دیدن و فهمیدن بسیار یکجانبه و اشتباه است. مردمی که آلترناتیو ندارند و عملکرد ضد انسانی و ارتجاعی احزاب سوسیال دمکرات و مرکز و راست را در هر دوره می بینند، دو راه بیشتر برویشان باز نیست: اول، تحریم انتخابات های کذایی بورژوازی. درصد عمدتاً پایین شرکت کنندگان در انتخابات ها موید این رویه است. دوره ای میگفتند «انتخاب بین راست و چپ پارلمانی انتخاب بین طاعون و وبا است!» دوم، تنبیه احزاب حاکم که به وعده های انتخاباتی شان طبق معمول وفادار نماندند و شرایط کار و زندگی میلیونها شهروند را وخیم تر کردند. آنها در هر انتخابات با تنبیه حزب حاکم و رای سلبی اعتراض شان را نشان میدهند. در کنار تاخت و تاز احزاب راست و مرکز و چپ پارلمانی که دیگر تفاوتهایشان میکروسکوپی شده است، یک جنبش ضد کاپیتالیستی مرتباً رشد کرده است. این جنبش نماینده اعتراض جامعه به طبقه حاکم و توقع نسل جدید از زندگی است. اعتراضات توده ای شکلی کلاسیک تر گرفته و اعتصابات کارگری علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی دولتها از نوعی تولد مجدد جنبش کارگری سخن میگوید که بتدریج ماحصل سیاسی خود را ببار آورده و می آورد.

در انگلستان پیروزی بزرگ حزب لیبر از سر رادیکالیسم نویافته و یا برنامه خیلی

صفحه ۱۸

آدرسهای تماس با حزب کمونیست  
کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر اجرایی

سعید یگانه

[saidyegane@gmail.com](mailto:saidyegane@gmail.com)

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

ملکه عزتی

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

[saeed\\_arman2002@yahoo.co.uk](mailto:saeed_arman2002@yahoo.co.uk)

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

[saidyegane@gmail.com](mailto:saidyegane@gmail.com)

هنرمند کمونیست

هیئت تحریریه: سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، ملکه عزتی، پروین کابلی، ناصر مرادی، هلاله طاهری، سیوان کریمی

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز چهارشنبه و حداکثر تا ظهر روز پنجشنبه است.

زنده باد سوسیالیسم!